

منثور شد، و حکم اشتمال جمعیت و اطلاق، از من، به هر اسمی و صفتی که در این وادی جبروت است، ساری و ظاهر گشت، و چون حال بر این جمله است، اکنون در بعضی از معاریج سی و ششگانه حقیقت محمدی، صلی الله علیه و سلم، چون سیر می کردم در درجات اکملیت، آنگاه که بروادی اسما و صفات گذر کردم، به خلع نعل خودم که صور و احکام روحانی و مزاجی است، به سرایت حکم اطلاق و جمعیت در آن صور و احکام خلعتی و تشریفی مرا هل این وادی و انجمن اسما و صفات را کرامت کردم. و ذلك معنی قوله: «وفيه خلعت خلع نعلی علی النادی...» و قوله: «وجئت بخلعتی...» یعنی به مجرد مرور من متلبس به احکام و اوصاف روحانی و مزاجی که نعلین کنایت از ایشانست، بر این اهل انجمن جبروت که اسما و صفاتند در هر يك حکم جمعیت و اطلاق سرایت می کرد، اما باز چون من به آن احکام روحانی و مزاجی متلبس شده، به هر يك توجهی خاص می کردم، به آن توجه اختصاصی در حق هر يك زیادت فضل و احسانی ببخشش جمعیت و اطلاق کرامت می کردم، پس نظر کن و ببین که «اخلع نعلیک» از کجا، و فیه خلعت خلع نعلی علی البادی، که زبان مقام و حقیقت محمدی است، صلی الله علیه و سلم، تا به کجا، و گمان نباید برد که در تأویل خلع نعلین، به احکام قوای روحانی و احکام قوای مزاجی، اعراض است از ظاهر و حمل بر باطن، بل که هر دو - معاً - صوراً و معنیاً، در حق موسی، علی نبینا و علیه الصلاة والسلام، ثابت بوده است، که در وادی ایمن که طور سیناست، در آن زمان که به گوش ظاهر، خطاباً اخلع نعلیک، شنیده است، و هر دو نعل از پای ظاهرش بیرون انداخته، در همان لحظه، در وادی جبروت حاضر شده بوده است، و از آن خطاب این معنی نیز مفهوم او شده، که از جمیع احکام روحانی و مزاجی، مجرد می باید شد، تا شایستگی آن مقام، حاصل شود، پس مجرد گشته است، و کلام بی واسطه صوراً و معنیاً، به گوش ظاهر و باطن، استماع نمود، و الله الموفق.

وانست انواری، فکنت لها هدی، وناهیک من نفس، علیها مُضییة
 وبدیدم انوار خودم را که اعیان اسما وصفات الهی است، چنان که موسی علی نبینا
 وعلیه السلام، مرنا الله را بدید، و به آن مستأنس شد، و روی در طلب آن و تحقق به آن
 نهاد، و چنان که آن نار الله، دلیل و هادی او گشت به نور تجلی از راهگذار سمعش،
 من راهنمای انوار اسما وصفات شدم، به سوی اطلاق و جمعیت و اشتغال هر یک بر جمله،
 و بسنده است ترا از بزرگی این نفس و ذاتی که به انصباع به حکم جمعیت مقام محمدی،
 صلی الله علیه و سلم، برای انوار اسما وصفات می‌تابد، و هر یک را به نور اطلاق و
 جمعیت، منور می‌گرداند.

واسست اطواری، فنا جیتی بها، و قضیت اطواری، و ذاتی کلیمتی^۱
 و بنای محکم نهادم احوال و مقامات و مراتب و مواطن خودم را به حکم این جمعیت،
 پس به حسب هر مقامی و موطنی و حالی، بقابلیتی خصوصی آن مقام و موطن با ذات
 خودم مناجات کردم، و حاجاتی که مرا بود بهر مقامی و موطنی، متعلق همه را از ذات
 خودم بر آوردم، و بهر کمالی که بهر مقامی و موطنی، تعلق داشت تحقیق یافتیم، و هم
 ذات من بود که گاهی به صورت طلب و سؤال به استعدادی کلی یا جزئی، با من سخن
 گوینده بود، و گاهی به صورت اجابت و قضای هر حاجت با من متحد و متکلم
 می‌بود، تا از حیثیت هر ذره‌یی از این صورت اجمالی خودم به جمیع کمالات، متحقق
 می‌گشتم.

فبدری لم یأفل، و شمسی لم تغیب، و بی یهدی کل الشکر الی المئیة
 پس ماه تمام حقیقت انسانیت من، بعد از این تحقق به کمالات، از کسوف و افول،
 مصون و محفوظست، و آفتاب تجلی ذاتی احدی جمعی من، از زوال و غیوبت ایمن
 است، و هر کوبی درئی از علمای راسخ و اولیا و مشایخ، که مرشدان خلاق و هادیان

۱ - اطواری: الأطوار السبعة که به هفت شهر عشق تعبیر شده است. اطواری:
 حاجانی.

طریقتند، به منازل ایمان واحسان و مناهل توحید و عرفان و مراتب رشاد و ارشاد و مواهب هدی و سداد به وساطت انوار من، راه می‌توانند برد، و به هدایت من راه می‌توانند سپرد.

از حقیقت برزخیّت انسانیّت، از آن جهت کنایت به بدر کرده‌است، که هم‌چنان که بدر را از خود هیچ نوری و صفت ظهوری نیست، بل که قابل و آیینۀ نور شمسی است، هم‌چنین مر این حقیقت برزخیّت را که غیر نسبتی نیست لا موجود و لا معدوم، کالخطّ الفاصل بین الظلّ و الشعاع الشمسی، و او را از نفس خودش هیچ نوری و صفت ظهوری نیست، الا آن که محل و آیینۀ تجلّی وجودی ذاتی است. و عدم افول او کنایتست از دوام تأثیر نور وجودی و تجلی ذاتی از حیثیت وی عیناً، او اثر آ، که حکم هر حقیقتی از این حقایق که برزخیّت الوهی ثانی شامل و جامع ایشانست و هر یک معین اسمی از ائمّه اسمای کلّیند، بر حقیقت هر کاملی غیر مصطفی، صلی الله علیه و سلّم، غالب می‌باشد، تا چون حقیقت آن کامل که عین آن برزخیّت ثانی انوهیست و به نسبت بدریست آیینۀ آفتاب تجلی ذاتی جمعی می‌شود، آن تجلی از قید اسمی که آن صفت و حقیقت که اثری از او بر حقیقت آن کامل غالبست، به کلی خالی نمی‌باشد که اختصاص هر رسولی به قومی معین یکی از آثار آن قید است. و چون ادوار سلطنت این اسمای کلی متعاقب می‌باشد، و هر مدتی سلطنت مراسمی را می‌باشد، و در آن مدت سلطنت و تأثیر اسمای دیگر در سلطنت و تأثیر آن اسم مندرج می‌باشد، پس چون آن مدت منتهی می‌شود، سلطنت اسمی دیگر ظاهر می‌گردد، لاجرم به انتهای سلطنت اسمی که حکمش بر کاملی ظاهرتر بوده می‌باشد، تأثیر آن تجلی ذاتی که حکم آن اسم منتهی السلطنه بر او غالب بوده است، یا به کلی زایل می‌شود یا کمتر می‌گردد، و حیثند بدر حقیقت آن کامل افول کرده باشد، و نسخ بعضی احکام شرایع به بعضی احکام شریعت دیگر اثر و نتیجه آن افول است، و چون حکم هیچ حقیقتی بر آن

برزخیت اول که بدرِ کامل حقیقت منست اصلاً غالب نبود، و اثر هیچ اسمی بر شمس تجلی اول ذاتی جمعی من ظاهر نی، لاجرم از این جهت بدر من قابل افول نیست، و شمس من هرگز غایب و زایل نگردد، و شریعت من قابل نسخ نی، و چون نور همه کواکب دراری، پرتو و شعاع نور آفتابست، لاجرم همه علماء و اولیا و مشایخ، نور هدایت از من دارند، و این محض زبان حقیقت محمدی است، صلی الله علیه و سلم.

وانجم افلاکی جرت عن تصرفی بملکی، و املاکی، لملکی، خرت^۱

و انجم افلاک من که مظاهر حقایق و اسماء منند، هر سیری و اتصالی که ایشان را مُتکدر است می روند از سر تصرفات و تأثیراتی که مرا و اسماء مرا است به وساطت آن سیر و جری و اتصالات ایشان در این عالم کون و فساد که ملک منست، و هر اثر تبدیل و تغییر حالی و دولتی که به سبب این جری و سیر اتصالات ایشان در این عالم می بینی، آن جمله تصرفات و تأثیرات من و اسماء منست من حیث مظاهرها در ملک خودم بر مقتضای حکمت و مصلحتی کلی که مرا است از قبض و بسط و ابرام و نقض و اعزاز و اذلال و غیر آن، چنان که باغبانی در باغی که ملک او باشد به مقتضای حکمتی و مصلحتی که داند تصرفی می کند، درختی را می بُرد و دیگری^۲ می نشاند و دیواری خراب می کند و دیگری آبادان می گرداند، هیچ کس را بروی حکمتی و اعتراضی نرسد، چه تصرف در ملک خودش می کند. و باز جمله فریشتگان آسمان و زمین، مُسَخَّر این صورت عنصری انسانی منند که ملک و مملکت با عظمت منست، کما قال تعالی «وَسَخَّر لکم ما فی السموات و ما فی الأرض^۳ جمیعاً منه» چه جمله فریشتگان، صور احکام و آثار و قوای اسماء منند، و جمله اسماء، هم چون قوا و اجزای حضرت

۱ - املاکی: ملائکتی، الواحد، ملک. خرت: سجدت. الملك بالكسر، نسبة اعتباریة و اتصال شرعی و قانونی بین الانسان و بین ما یمكن التصرف فيه و یمنع عن تصرف غیره. و الملك بالضم، اسم لما یملك و یتصرف به.

۲ - و درختی دیگر می نشاند - خ - . ۳ - س ۴۵، ی ۱۲.

الوهيْتتند ، و حضرت الوهيْتت ظلِّ و صورت غيب ذاتست ، و اين صورت عنصري انساني من كه عالم ملك اجمالى منست، صورت وظلِّ تامَّ المظاهرات حضرت الوهيْتت است ، كما قال ، عليه الصلاة والسلام : «ان الله خلق آدم على صورته» پس جمله فرشتگان، هم چون اجزا و قواى حقيقت و صورت و ملك من باشند، و خضوع جزو ، مركل را ضرورى است ، لاجرم از اين جهت ، جمله فرشتگان خاضع و خاشع اين صورت ملك اجمالى عنصري انساني من آمدند، و سجدۀ فرشتگان، مرآدم را عليه السلام ، از اين سبب واجب گشته بود، و آن امانتى كه بر همه عوالم علوى و سفلى و ما بينهما من اجناس العالم و انواعه و اشخاصه به حكم «اذاعرضنا الأمانة على السموات» اى ما علا من العالم «و الأَرْض» اى ما سفلى منه «و الجبال» اى ما بينهما من جميع الأنواع و الأشخاص ، عرضه كردند و همه از قبول و حمل آن عاجز و قاصر آمدند ، و بر خود از ترس بلرزيدند ، اين صورت جمعيت و كمال مضاهات حضرت الهيْتت بود، كه چون حق تعالى، فى تنزله و نزوله بكلّيته و جمعيتته لجميع اسمائه و حقايقه و صفاته من حيث مرتبته و صورته التى هى الألوهيْتة ، خواست كه در عالم پيدا شود، مظهرى و آيينه يى قابل ظهور او مى بايست، چنان كه هيچ تغيرى به ظهورش به آن مظهر در او واقع نشود، و حكم هيچ اسمى و صفتى و حقيقتى به سبب آن ظهور بر ديگرى تمام غالب نباشد، پس آن صورت جمعيت را بر جمله حقايق علوى و سفلى عرضه كردند ، چون بر حقيقتى ، حكم اسمى و صفتى غالب بود، و به سبب سريان حيات اصلى در هريك از آن حقايق به آن غلبۀ حكم اسمى و صفتى براو، هريك شعور يافت و محسّ شد، به آن كه به آن غلبه از عهدۀ آن امانت بتواند بيرون آمد، لاجرم همه بترسيدند ، و از حمل و قبول او، ابا كردند، و حقيقت نوع انسان چون من حيث برزخيْتها و جمعيتتها و مضاهاتها بتلك البرزخيّة لحضرة الألوهيْتة، به صلاحيت خود مر قبول امانت را شعور يافت ، لاجرم به قبول آن امانت مبادرت نمود، و آيينۀ مضاهى آن صورت جمعيت

شد تماماً، لیکن چون ندانست، و این دقیقه از علم که در بایست او بود از او فوت شد که اشخاص او بسیار خواهند بود و هر صورتی از صور شخصی و جزئی او را صلاحیت این قبول نتواند بود، و از تقیّد به حکم حقیقی و اسمی خلاصش میسر نشود، و از این جهت به قبول این امانت بر اکثر صُور شخصی جزئی خود که در قیود احکام و حقایق انہی و کونی، مستهکّ خواهند شد، و به مشابہت بظاهر این صورت تخطیّطی در معرض قبول این امانت آمده باشند، و از ردّ و ادای امانت کما قبلوا، قاصر شده و آن قصور موجب حجاب یا عتاب یا عقاب ایشان گشته، ظلم خواهد کرد، لاجرم به این سبب به وصف ظلومی و جهولی موصوف آمد، و علت اتّصافش به این دو وصف در اصل آن بود تا حکم قبضتین تمام ظاهر گردد، و بعضی در قبضه شمال به عذاب و عتاب در حجاب مانده، و بعضی که از حکم قبضه شمال پناه به احکام قبضه یمین و مظاهر ایمانی او آوردند، هر چند از رحمت اختصاصی «وکان بالمؤمنین ارحیماً» اثری به ایشان رسد، اما مع ذلك از ستر اسم غفور، خالی نمانند، و از حکم قید قبضه، به جمعیت و اطلاق قابض جامع دشوار توانند رسید، چنان که فرمود «وحملها الانسان، اذّہ کان ظلوماً جهولاً»، لیعذب الله المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات، ویتوب الله علی المؤمنین و المؤمنات، وکان الله غفوراً رحیماً» .

وفی عالم التذکار للنفس علمها ۱۱ مقدم، تستهدیه منی فیتیسی
عالم - تذکار^۳ - مقامی است داخل طور ولایت و نبوت، و او را ظاهریست و

۱ - س ۲۳، ی ۴۲ . ۲ - س ۳۳، ی ۷۲-۷۳ .

۳ - خلاصه تقریر شارح علامه در معنای این چند بیت آنستکه : در عالم تذکار که مدرسه تحصیل حقایق و دانشکده معارف است فتیان حلقه صداقت و ارادت من که طلبة تحصیل آن مدرسه اند، علوم خاصه قدسی او را که سائر اعیان و اکوان صور ظهور و نقوش حروف اوست، از من استفسار و استهدا می کنند، پس من صدا میزنم ایشان را که بشتابید بسوی جمعیت خانه قدیم من که گرد سرادق جلال و سراپرده

باطنی، که چون به ظاهر آن مرتبه تمام تحقیق یابند، هر علمی از علوم فطری که به حسب استعداد با وجود ظاهر و ظاهر نفس همراه بوده باشد، نفس را بیاد آید، و تذکثر ذوالنون، رضی الله عنه، میثاق - الست - را، و اخبار از آن تذکثر که «کأنه الآن فی أدنی» به حکم این تحقیق بود، و اگر چنان که به باطن این عالم تذکار متحقق شوند، هر علمی فطری که با باطن نفس و باطن وجود از حضرت غیب الغیب همراه بوده باشد و به سبب طریان حجب مراتب، فراموش و محجوب گشته، در آن عالم، آن حجب همه ارتفاع پذیرد، و تذکثر آن جمله علوم فطری باز حاصل آید، که علم باطن موثیق و علوم حقیقی «کان الله ولم یکن معه شیء» و «کنت کنزاً مخفیاً» و امثال آن، از نتایج این تذکثر است.

پس می گوید که: نفس من چون به این ظاهر و باطن عالم تذکار و معانی تحقق تمام یافت، و علوم ذاتی و معارف اصلی جمعی کمالی که به کمال استعداد از حضرت غیب

→ وحدت و کمال آواز گرد تقابل قوسین که منتهای مراقی فتیان است، مبراست، و کهول قبیلۀ استرشاد و استکمال اطفال آن مکتب اند.

«اهل دانش که بر اطوار حقایق رفتند همه در مکتب عشقت الف و با، خوانند» چون معدن حقایق و منبع معارف این حضرت احدی جمع منست که خم خانه عاوم صافی و شهود خالص از شوائب تعملات کسبی و تقلید است، هر آینه حریفانی که در این بزم کمالی ختمی معاصر من اند، و آنهایی که در این دور زمانی بیشتر از من در حلقه ظهور آمدند، از فضله جرعه من سیراب شراب ذوق گشته اند پس سائر کمالات و فضائل که عالم و عالمیان را سبب مفاخرت و مباهات شده، فضله ایست از فضلات آن جرعه و رشحهئی از رشحات افاضۀ او.

«بجرعه تو سرم مست گشت، نوشت باد خود از کدام خم است، آنکه درسبوداری»
 «چه مستی است خدایا که رو بما آورد که بود ساقی و این باده از کجا آورد»
 چون از خصوصیات لازمه مقام ختمی کمالی که مؤدای فحوای این قصیده ترجمان آنست، این و اخش احاطه است بر سائر مقامات و مواطن، هر آینه بحکم هو الأول و الآخر، بر این حرف ختم سخن کرد.

هویّت تا ظاهر مرتبه حس با ظاهر و باطن او همراه بود، و همراهی آن علم مقدم بود بر تعین جمله مراتب، و ارباب مراتب اکنون تمام بر من ظاهر و منکشف گشت، حقایق اتباع و جوانمردان مستعدّ قوم خود را دیدم که به طلب استعدادی که هر یک را بود، از آن علوم مقدم فطری من، هر یک از من هدیه یی می طلبند، و بعد از رجوع من از سفر - الی الله و فی الله - هر یک از من ره آوردی می خواست، لاجرم من برای هدیه ایشان بعضی از کلیات آن علوم را در این قصیده یاد کردم و به نظم آوردم. و الله ولیّ التوفیق.

فحیّ علی جمعی القدیم ، الذی بهِ وَجَدْتُ کَهول الحیّ ، اطفال صبیّة
جمع قدیم کنایتست از حضرت احدیّت جمع و مقام او ادنی، که مقدم و سابق است بر جمله حضرات و مقامات، بل اصل همه حضرات و مقاماتست، و جمله، فرع و تابع اویند - علماً و وجوداً - و قبیله کنایت از مقام ولایت و جمع و جمع الجمع و مقام قاب قوسین است، و کهول قبیله کنایت از بالغان و کاملانست در این مقام که جمله این بانغان و کاملان و مردان، مردکی در این مقام قاب قوسین و جمع الجمعند در معرض این مقام محمدی، صلی الله علیه و سلم، و صاحبش - صلوات الله و سلامه علیه - و کمال احاطت او هم چون طفلان شیرخواره اند که امّ و اصل ایشان اوست - صلی الله علیه و سلم - و تربیت همه او کرده است و می کند، و ایشان به آن قدر از شیر علوم ذاتی جمعی کمالی که از پستان این مقام به ایشان رسید، ایشان را سیری حاصل گشت و به آن خرسند شدند.

پس می گوید به زبان حضرت محمدی - صلی الله علیه و سلم - که ای متابعان مستعدّ من، بیاید و بشتابید به این حضرت احدیّت جمع من، که بر همه حضرات و مقامات سابقست، و از اذواق و علوم این مقام که من از عالم تذکار تلقّی کرده ام و به شما به هدیه آورده فهم کنید و برخوردار شوید، و به اذواق و علوم علما و اولیا و کاملان دیگر که به جنب این مقام و اذواق این مقام، همه طفلان شیرخواره بوده اند خرسند مشوید،

که آن جمله علوم و ادواق ایشان، باقیماندهٔ منست، و جمله‌ی صور و الفاظ که به دعوت تعلق دارد، در این بیت، مدرجست .

فمن فضل ما أسأرت^۱ شرب^۲ معاصری ، ومن كان قبلی فالفضائل فضلتی^۱
 چه من که ترجمان مقام محمدی ام ، از زبان او - صلی الله علیه و سلم - می گویم که
 چون مقام احدیّت جمع من سابق و مقدم و اصل همه مقاماتست ، لاجرم هر شراب
 علمی ذاتی که از بحر حضرت غیب الغیب متعیّن گشت، اول جام آن شراب این مقام
 احدیّت جمع من بود، و من که صاحب این جام بودم، آن شراب را به دهان استعداد
 کامل خودم نوش کردم ، جرعه بی که مسّور و باقیمانده و بازپس خوردهٔ من بماند،
 در جام مقام جمع الجمع فما تحته ریختم شرب اهل زمان من تا به قیامت و شرب هر که
 نیز به زمان پیش از من که محمدم، صلی الله علیه و سلم، بوده است از انبیا و رسل ، و
 جمیع کَمَل از فضله و باقیماندهٔ حقیقت من بود که جمله از آن جرعه سیراب شدند،
 و من از تشنگی کمال استعداد، فریاد «ربّ زدنی^۲ علماً» برمی آوردم، پس چینیذ^۱ جمله
 فضایل و علوم و آداب و شمایل، تفاسیل آن فضلهٔ منست، که خلاصهٔ آن فضله و بقیّت
 من، به صورت علوم و فضایل همه انبیا و علمای کامل ظاهر شد، و بقیّت آن ، بر جمله
 خلائق منقسم شد ، انبیا و اولیای دیگر، باز خلاصهٔ آن بقیّت قبول کردند، و به صورت
 فضایل علوم طریقت و حقیقت پیدا آورد ، و باز از فضلهٔ ایشان علمای ظاهر و
 اصحاب ادیان برگرفتند ، و به صورت فضایل آداب و استنباطات علوم شرعی و عقاید
 درست اظهار کرد ، و باز فضلهٔ ایشان بر عموم خلق قسمت افتاد ، بعضی به صورت فضایل
 ثبات و عزایم و مقاصد صحیح ، پیدا گشت، و در اعمال و اخلاق و آداب ایشان سرایت
 کرد، و بعضی بهیئات فضایل علوم عقلی و سیاسی، پیدا آمد، و بعضی به صورت فضایل

۱ - الفضل: البقیّة - بازمانده و پس مانده - اسأرت: ابقیت فضله من الشراب فی

الإناء . معاصری: الذی هو فی عصره .

۲ - س ۲۰، ی ۱۱۳ .

بدايع صنایع و لطایف و طرایف اعمال، سربرزد، آنگاه فضلۀ آن به حیوانات رسید، و به صور فضایل خواصّ شریف از قبول سیاست و فهم اشارت و علوم فطری که هر يك راهست، ظاهر گشت، و باز فضلۀ بی از آن به نبات رسید، و فضایل خاصیتهای خوب از دفع آلام و اسقام و تطیب و تفریح و امثال آن پیدا شد، و بقیّت و فضلۀ ایشان به معدن رسید، و فضایل خواص لطیف به آن فضلۀ، از ایشان ظاهر گشت، و فضلۀ آن به عناصر رسید، و به فضایل خواصّ ایشان سربرزد، و هلمّ جتراً، تا باز به مبدأ رجوع ساخت. پس همه فضایل در جمیع عوالم، فضلۀ من و شرب و تجلّی و علم اصلی حقیقت من بوده باشد از من پیدا شده، و به من عاید گشته.

والإشارة الى هذا المعنى قوله تعالى: «وما أرسلناك الا رحمةً للعالمين» بل که به حکم اخبار صحیح «اول ما خلق الله تعالى، نوری» و نصّ صریح «ولکن رسول الله^۲ و خاتم النبیین» مبدأ و فتح باب و آغاز کارستان وجود و ایجاد از من بود، و ختم کار و انجام و فذلک طومار و کتاب شهود و اشهاد و رجوع الى المعاد، بر من گشت.

والحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً، و صلی الله علی امام الانام و خاتم النبیین محمد باطناً و ظاهراً، و السلام علی عترته الطاهرين واصحابه المنتجبين اجمعين.

فرغ من تحريره (الف) فی رجب سنة ثلاث و سبعمئة - ۷۰۳ هـ ق -

(الف) - این اثر نفیس در جمادی الثانی یک هزار و سیصد و نود و شش - ۱۲۹۶ - هجری قمری در مطبعت دانشگاه فردوسی (مشهد) بحلیه طبع آراسته شد، از خداوند بزرگ توفیق چاپ شرح عربی مؤلف بر قصیده نایب را خواستارم.

انا العبد سید جلال الدین الموسوی الآشتیانی

جمادی الثانی ۱۲۹۶ هـ ق - و ۱۹۷۶ م -

مشهد مُقَدَّس رضوی

فهرستهای مشارق الدراری

- ۱- فهرست آیات
- ۲- فهرست احادیث
- ۳- فهرست اشعار فارسی
- ۴- فهرست اشعار عربی
- ۵- فهرست اعلام
- ۶- فهرست اصطلاحات و تعبيرات

١- فهرست آيات

- ٢ (البقره) : ١٧ صمّ بكم فهم لا يرجعون . ٢٦٨
- " " : ٢٨ انى جاعل فى الارض خليفه . ٤٧ ، ٥٥ ، ٢٨١
- " " : " اتجعل فيها من يفسد فيها ويسفك الدماء ونحن نسبح بحمدك و-
نقدّس لك . ٤٨ - ٤٩
- " " : " انى اعلم ما لا تعلمون . ٤٩
- " " : ٢٩ وعلم آدم الاسماء كلّها . ٥٦٧-٥٦٨ ، ٥٧١
- " " : ٣٥ لاعلم لنا الا ما علّمتنا . ٥٣
- " " : ٣١ انبئهم باسمائهم . ٥٥٣، ٥٦٧
- " " : " الم اقل لكم انى اعلم غيب السموات والارض واعلم ما تبدون وما
تكتُمون . ٥٣
- " " : ٢٣ اسكن انت وزوجك الجنة . ٢٨١
- " " : ٣٦ اهبطوا (منها) جميعا " . ٥٨٧
- " " : ٥٧ واذا استسقى موسى لقومه فقلنا اضرب بعصاك الحجر فانفجرت منه
اثنتا عشرة . ٥٢١
- " " : ١٣٢ صبغة اللّه . ٩
- " " : ١٤٣ ولكلّ وجهه هوموليها . ١٩٥
- " " : ١٤٧ فاذكرونى اذكركم . ٢٧٧
- " " : ١٨٥ وليس البئر بأن تأتوا البيوت من ظهورها ولكن البر من اتقى وأتوا
البيوت من ابوابها . ١٤٣

٣(آل عمران): ١٢٨ والله يحب المحسنين . ٤٦٦

" " : ١٦٣ لاتحسبون الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم .

١٥٩

٤(النساء) : ١ وخلق منها زوجها وبث منهما رجالاً كثيراً ونساءً . ٥٨٦

" " : ٦١ ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الى اهلهما . ١٢٧

" " : ١٥١ فقد وقع اجره على الله . ١٦٣

" " : ١١٦ ان الله لا يفران يشرك به ويفرما دون ذلك لمن يشاء . ١٨٢

" " : ١٣٨ ان العزة لله جميعاً . ١٤٣

" " : ١٦٣ رسلاً مبشرين ومنذرين لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل .

٤٧٥

٥(المائدة) : ١ اوفوا بالعقود . ٣٧٦

" " : ٥٣ ليلبواكم فيما آتاكم . ٨

" " : ٥٩ يحبهم ويحبونه . ١٨١، ١٨٣

" " : ٧١ والله يعصمك من الناس . ٤١٥، ٤١١

" " : ١١٥ واذ تخلق من الطين كهيئة الطير باذن فتنفخ فيها فتكون طيراً

باذن وتبرئ الاكمة والأبرص باذن واذ تخرج الموتى باذن .

٥٢٣

٦(الانعام) : ٥٩ وعنده مفاتيح الغيب لا يعلم الا هو . ٢٩

" " : ٩١ وما قدروا الله حق قدره . ١٤٢، ١٦٦، ٢٢٩

" " : ١٥٤ وان هذه صراطى مستقيماً (فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بكم

عن سبيله) . ٢١٣، ٢٨٦، ٤١٧

" " : ١٦٣ ان صلاتى ونسكى ومحياى ومماتى لله رب العالمين لا شريك له . ١٥٤

" " : ١٦٤ ثم الى ربكم مرجعكم . ٤٦٤

٧(الاعراف) : ٢٨ كما بدأكم تعودون . ٤٥٨، ٩

" " : ١٣٩ ولما جاء موسى لميقاتنا وكلمه ربه . ٥٦

" " : " ارنى انظر اليك . ٨٩، ٩٥، ٥٩٨

" " : " لن ترانى . ٨٩، ٩٥، ٩٣، ١٤٢، ٥٩٨

" " : " فلما تجلى ربه للجبل جعله دكاً وخر موسى صعفاً فلما افاق

قال صبأناك تبت اليك . ٣٩٤

- " " : ٢٥٤ تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض . ٤٢
- " " : ٢٥٤ ولا يحيطون بشئ من علمه الا بما شاء . ١٤
- " " : " وسع كرسيه السموات والارض . ٣٨٢ ، ٤٧١
- " " : ٢٤٢ فخذ اربعة من الطير فصرهن اليك ثم اجعل على كل جبل منهن جزءا
ثم ادعهن ياتينك سعياً . ٥١٩
- ٣(آل عمران): ٢٩ قل ان كنتم تحبون الله (فاتبعوني يحببكم الله) ٢١٣، ٢١٤، ٢٨٢
٢٨٧
- " " : ٥٢ خلقه من تراب . ٤٥٤
- " " : ٩٨ واعتصموا بحبل الله جميعاً . ٢١١-٢١٢
- " " : ١٢٧ جنه عرضها السموات والارض . ٣٨٢
- ٧(الأعراف) : ١٤٥ سبحانه ثبت اليك (وانا اول المومنين) . ٩٢، ١٤٢، ٥٩٨
- " " : ١٥٤ تذل بها من تشاء . ٤٢٥
- " " : ١٥٥ ورحمتي وسعت كل شئ . ٥٥١، ٧٥
- " " : " فساكتبها للذين يتقون (والذين هم بآياتنا يومنون) . ١٧٣، ٥٥١
- " " : ١٧١ الست (بريكم) . ١٢٥، ١٥٥، ١٩٣، ١٩٤، ٢٩٩، ٣٢٥، ٣٢٦، ٣٧٩، ٤٠٨، ٤٠٩، ٤٠٩
- ٤٤٥، ٥٧١، ٥٤٥
- " " : ١٧٥ اخلد الى مالارض . ١٦٤
- " " : ١٧٨ لهم اعين لا يبصرون بها ولهم آذان لا يسمعون بها . ٤٤٢
- " " : ١٩٧ وتراهم ينظرون اليك وهم لا يبصرون . ٣٥٧
- ٨(الانفال) : ١٧ وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى . ١٤، ٢٤٧، ٢٨١، ٤٥٦
- " " : ٢٤ استجيبوا لله وللرسول اذا دعاكم لما يحييكم . ٢١٣
- " " : " واعلموا ان الله يحول بين المرء وقلبه . ٢١٤
- " " : ٢٨ ليميز الله الخبيث من الطيب . ٤٤٢، ٤١٠، ٤٠٤
- " " : ٤٣ وان جنحوا للسلم فاجنح لها . ٥٥٥
- ٩(التوبة) : ٤٨ نسوا الله فنسيهم . ١٧٣
- " " : ٩٤ رضوا بان يكونوا مع الخوالف . ٢١٨
- " " : ١١٢ ان الله اشترى من المومنين انفسهم واموالهم بان لهم الجنة
فيقاتلون في سبيل الله فيقتلون ويقتلون . ٣٨٥، ٣٨١
- " " : " ومن اوفى بعهده من الله فاستبشروا بيعكم الذي بايعتم به و

- ذلك الفوز المبين . ٣٨٥
- ١٢٩ : لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم
بالمؤمنين رؤوف رحيم . ٣٧٧
- ١٥ (يونس) : ٤ : اليه مرجعكم جميعا " (وعدالله حقا ") . ٤١٢، ٢٣٢، ٥٦
- ٢٥ : والله يدعو . ٢١٢
- ٢٦ : للذين احسنى وزيادة . ٢٥٥
- ١١ (هود) : ٤ : الى الله مرجعكم . ٢١٣
- ٢٥ : الالعة الله على الظالمين . ٣٥٢
- ٢٦ : مثل الفريقين كالأعمى والأصم والبصير والسميع هل يستويان .
٤٤٢
- ١١ (هود) : ٤٦ : وقيل بعداً " للقوم الظالمين . ٧٩
- ٥٩ : ما من دابة الا هو آخذ بما صنعها ان ربي على صراط مستقيم . ٤٢٤
- ٩٨ : ولقد ارسلنا موسى باياتنا وسلطان مبين الى فرعون وملائسته .
٥٦
- ١٥٩ : مادامت السموات والارض . ٣٨١
- ١٢٣ : واليه يرجع الأمر كله . ٤٣٣، ١٨٥، ٩٧، ٦٦، ٥٩
- ١٢ (يوسف) : ٥٣ : ان النفس لأمارة بالسوء . ٢٣٢
- ٧٥ : من وجد فى رحله فهو جزاؤه . ١٦٣
- ٧٦ : وفوق كل ذى علم عليم . ٧٩
- ٨٢ : وسئل القرية . ٦٢٥
- ٨٦ : انما اشكوبتى وحزنى الى الله . ٩٦
- ١٥٨ : قل هذه سبيلي ادعو الى الله (على بصيرة انا ومن اتبعنى) و
سبحان الله وماأنا من المشركين) . ٣٤٨، ٨
- ١٣ (الرعد) : ١٧ : الله خالق كل شئ . ٨
- ٣٩ : بمحاوله مايشاء ويثبت . ٣٧٣
- ١٤ (ابراهيم) : ٧ : ان شكرتم لأزيد نكم . ٢٥٣، ٢٥٢
- ١١ : يدعوكم ليغفرلكم . ٢١١
- ١٥ (الحجر) : ٢٩ : ونفخت فيه من روحي . ٥٦٩، ٣٥٩
- ٣٥ : وان عليك اللعنة الى يوم الدين . ٥٤

- ١٦ (النحل) : ٢٦ ماذا انزل ربكم . ٤٠٤
- " " : ٤٢ انما قولنا لشيء اذا اردناه (ان نقول له كن فيكون) . ١٩٥ ،
٥٤٤،٥٤٧
- " " : ٨١ الم يروا الى الطير مسخرات في جو السماء ما يمسكهن الا الله
ان في ذلك لايات لقوم مؤمنون . ٤٦٦
- " " : ٩٢ ان الله يأمر بالعدل والاحسان . ٤٦٦
- " " : ٩٥ يضل من يشاء . ٦٢٥
- " " : " يهدى من يشاء . ٦٢١
- " " : ١٢٩ ان الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون . ٤٦٦
- ١٧ (الأنبياء) : ١ سبحان الذي اسرى . ٦٤
- " " : ٣٦ ولا تقربوا مال اليتيم . ٢٨٤
- " " : ٤٦ وان من شيء الا يسبح بحمده . ٥٤٦
- ١٨ (الكهف) : ١٢ وزدناهم هدى . ٨٤
- " " : ١٣ وربطنا على قلوبهم اذ قاموا . ٨٤
- " " : ٦٢ انى نسيت الحوت وما انسانيه الا الشيطان . ٥٩٦
- " " : ٧٥ لقد جئت شيئا " امرا " . ٥٩٨
- " " : ٧٣ اقتلت نفسا " زكية بغير نفس . ٥٩٨
- " " : ١١٥ قل انما انا بشر مثلكم . ٤٦٦،١٨٣،١٥٧
- ١٩ (مريم) : ٣١ انى عبد الله اتانى الكتاب وجعلنى نبيا " . ٥٣٩
- " " : ٩٤ ان كل من فى السموات والأرض الا اتى الرحمن عبدا " ٦٢٤
- ٢٥ (طه) : ١٢ اخلع نعليك . ٦٣٩
- " " : ٤٣ واصطنعتك لنفسى . ٥٦
- " " : ٤٨ لاتخافا اننى معكما . ٤١٥
- " " : ٥٢ اعطى كل شيء خلقه ثم هدى . ٥٧٥
- " " : ٥٧ منها خلقناكم . ٤٠٦
- " " : ٦٩ فاذا حبالهم وعصيهم يخيل اليه من سحرهم انها تسعى فأوجس
فى نفسه خيفة موسى؛ قلنا: لا تخف؛ انك انت الأعلى؛ والى ما فى
يمينك تلقف ما صنعوا . ٥٢٥
- " " : ١٠٩ ولا يحيطون به علما " . ١٤٠

- ١١٥ : " " وعنت الوجوه للحی القيوم . ٣٨٧
- ١١٣ : " " (ولا تعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه وقل : رب زدنی علماً " . ٤١٩، ٤٢٧
- ١١٤ : " " ولقد عهدنا الی آدم من قبل فنسی . ١٥٥
- ١١٥ : " " اسجد وا لآدم فسجد وا . ٣٩٢
- ١٢٥ : " " فتاب علیه وهدی . ١٥٥
- ٣١ : (٢١ الانبیاء) اولم یرالذین کفروا، ان السموات والارض كانتا رتقا "ففتقنا هما . ٣٨٧، ٤٣
- ٦٩ : " " قلنا : یا نارکونی بردا " وسلاما " علی ابراهیم . ٥١٩
- ٨٣ : (٢١ الانبیاء) انی مسئی الضرّ . ١٠٣، ٩٦
- ٨٧ : " " ان لن نقدر علیه . ٤٥٨
- ١٥٧ : " " وما ارسلناک الا رحمةً للعالمین . ٤٤٨
- ٧٦ : (٢٢ الحج) افعلوا الخیر . ٢٢٣
- ٧٧ : " " هو اجتباکم . ٨
- ١٠٢ : " " واعتصموا بالله هو مولیکم . ٢١٢
- ١٥ : (٢٣ المومنون) اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس . ٢٥٥
- ١٢ : " " ولقد خلقنا الانسان . ٤٣٥
- ١٤ : " " فتبارک الله احسن الخالقین . ٤٣٦
- ٢٥ : (٢٤ النور) الله نور السموات والارض نور علی نور یرهدی الله لنوره من یشاء . ٤٣٧-٤٣٨
- ٤٧ : (٢٥ الفرقان) الم ترالی ربک کیف مدّ الظلّ . ٤٥١
- ٤٨ : " " ولو شاء لجعله ساکنا " . ٤٥٢
- ٤٨ : " " ثم جعلنا الشمس علیه ذلیلاً " . ٤٥٢
- ٤٨ : " " ثم قبضناه الینا قبضاً " یسراً " . ٤٥٣
- ١٢ : (٢٦ الشعراء) ویضیق صدری ولا ینطلق لسانی . ١٥٨
- ١٣ : " " ولهم علیّ ذنب فاخاف ان یقتلون . ١٥٨
- ٦٣ : " " ان اضرب بعصاک البحر فانطلق فکان کل فرق کالطود العظیم . ٥٢١
- ١١٩ : " " فانجیناه ومن معه فی الفلک المشحون ثم اغرقنا بعسده

الباقيين . ٥١٧

- ٢٧ (النمل) ٨ : نودى ان بوركا من فى النار ومن حولها . ٢٨١
- " " ٢٥ : الا يسجد والله الذى يخرج الغيا فى السموات والأرض ويعلم ما تخفون وما تعلنون . ٤٣٦
- ٢٨ (القصص) ٣٥ : (نودى من شاطئ الوادى الايمن فى البقعة المباركة من الشجرة يا موسى) ،انى انا الله . ٢٨١،٧٢
- " " ٥٦ : انكلا تهدى من احببت ولكن الله يهدى من يشاء . ٢٥٨
- " " ٨٨ : كل شئ هالك (الا وجهه) . ١٥٨،١٤٥،١٥١،١٨٥،٤٠٤،٦٥
- ٢٩ (العنكبوت) ٥ : ان الله لغنى عن العالمين . ١٦٦،٢٠٤،٣١٠،٤٣٩،٥٥١
- " " ٥٧ : ثم الينا ترجعون . ١٨٥،٤٥٨
- " " ٦٧ : اولم يروا انا جعلنا حرما "آمنا" ويتخطف الناس من حولهم . ٣٧٣
- ٣٥ (الروم) ٢٦ : والله المثل الأعلى فى السموات والارض . ٦٢٦
- " " ٢٩ : فطرت الله . ٨
- ٣١ (لقمان) ٢٤ : ولئن سئلتهم من خلق السموات والارض ليقولن الله . ٦٢٤
- ٣٣ (الاحزاب) ٤ : والله يقول الحق وهو يهدى السبيل . ٤٧٦
- ٧ : واذا اخذنا من النبيين ميثاقهم ومنك ومن نوح وابراهيم وموسى وعيسى بن مريم وأخذنا منهم ميثاقاً غليظاً . ١٢٨
- " " : واخذنا منهم ميثاقاً غليظاً " (ليسال المادقين عن صدقهم وأعدّ للكافرين عذاباً "الهما") . ٤٥٥،٤٥٦
- " " ٢٣ : من المومنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه . ١٢٨،٤٥٢
- " " ٤٥ : ولكن رسول الله وخاتم النبيين . ٦٤٨
- " " ٤٢ : وكان بالمؤمنين رحيماً . ٦٤٤
- " " ٧٢ : انا عرضنا الأمانة على السموات والارض والجبال فأبين ان يحملنها وحملها الانسان . ٥٧،٤١٤،٤٢٣
- " " : وحملها الانسان (انه كان ظلوماً جهولاً) ليعذب الله المنافقين والمنافقات والمشركين والمشركات ويتوب الله على المؤمنين والمؤمنات وكان الله غفوراً رحيماً . ٥٩٢

- ١١ : غَدَّوْهَا شَهْرٌ وَرَوَّاحُهَا شَهْرٌ . ٥١٨ (السيا) ٣٤
- ٢٧ : وما ارسلناك إلا كآفة للناس . ٥٢٥، ٢٨٧، ٥٦ " "
- ١١ : اليه يصعد الكلم الطيب، والعمل الصالح يرفعه . ٤٧١ (فاطر) ٣٥
- ٣٨ : ذلك تقدير العزيز العليم . ٣٨٨ (يس) ٣٦
- ٤٥ : وكل في فلك يسبحون . ٤٥ " "
- ٦٥ : ألم اعهد اليك يا بني آدم... وان اعبدونى هذا صراط مستقيم " "
- ٤٥٢-٤٥١
- ٦٩ : وما علمناه الشعر، وما ينبتى له . ١١ " "
- ٨٣ : فسبحان الذى بيده ملكوت كل شئ . ٥٦١ (يس) ٣٦
- ٢٦ : وما خلقنا السموات والارض وما بينهما باطلاً ذلك ظن الذين كفروا . ٥٧٨ (ص) ٣٨
- ٧٥ : لما خلقت بيدي . ٤٥٦ " "
- ٤ : ما تعبد هم الا ليقربونا الى الله زلفى . ٦٢٤، ٦٢٣ (الزمر) ٣٩
- ١٩ : الذين يستمعون القول فيستمعون احسنه (اولئك الذين هداهم الله واولئك هم اولوالالباب) . ٤٧٨، ٤٦٥، ١٣ " "
- ٥٥ : وأُنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ . ٩ " "
- ٦٧ : والأرض جميعاً قبضته (يوم القيامة) والسموات مطويات بيمينه " "
- ٦٣٢، ٤٥٦، ٤٥٥
- ٧ : ربنا وسعت كل شئ رحمةً وعلماً . ٩ (المؤمن) ٤٥
- ١٦ : لمن الملك (اليوم) لله الواحد القهار . ٥٩٣، ٤٥٩، ٤٥٨، ٤٥٥ " "
- ٦٣٣
- ١٥ : ائتنا طائعين . ٦٥٥ (فصلت) ٤١
- ١١ : واوحى فى كل سماء امرها . ٣٨٢، ٤٥ " "
- ٢٥ : انطقنا الله الذى انطق كل شئ . ١٢ " "
- ٣٤ : ولاتستوى الحسنه ولا السيئه، ادفع بالتي هي احسن . ١٥٢ " "
- ٥٣ : سنريهم آياتنا فى الآفاق وفى انفسهم، حتى يتبين لهم انه الحق . ٣٥٢ " "
- ٩ : ليس كمثله شئ . ٥٩٤، ٤٢٥ (الشورى) ٤٢
- ٢٥ : ومن يعش عن ذكر الرحمن . ٢٨٦ (الزخرف) ٤٣

- ٤٤ (الدخان) : ٥١ ان المتقين فى مقام أمين، فى جنات وعيون ... فضلا" من ربك
٢٥٥
- ٤٥ (الجاثية) : ١٢ وسخرلكم ما فى السموات وما فى الارض جميعا " . ٤٢٢
- ٤٦ (الاحقاف) : ٨ ما ادرى ما يفعل بى ولايكم . ٥٥١
- " " : ٣٥ اجيبوا داعى الله . ٢١١
- ٤٧ (محمد) : ١٩ والذين اهدوا زادهم هدى (وآتاهم تقواهم . ٢٣٩، ١٤٧
- " " : ٣٣ لنبلونكم حتى نعلم (المجاهدين منكم والمابرين ونبلوا اخبار
كم) . ٤٧٥، ٤٦٥، ٤٤٣، ٢٣٩
- ٤٨ (الفتح) : ٢ ليغفرلك الله ما تقدم من ذنبك وما تأخر . ٥٢٩
- " " : ١٥ ان الذين يبايعونك انما يبايعون الله . ٢٥٦، ٢٢٧
- ٤٩ (الحجرات) : ١١ ولاتنايروزا بالالقباب ... فاولئك هم الظالمون . ٣٥٢
- ٥٥ (ق) : ١٤ بل هم فى لبس من خلق جديد . ٦٥٥
- " " : ٢٨ ما يُبدل القول لدى . ٣٧٣
- ٥٣ (النجم) : ٨ ثم دنى فتدلى . ٤٩٣، ٤٩٢، ٤٩١
- " " : ٩ فكان قاب قوسين او ادنى . ٤٩٢، ٤٥٣
- " " : ١١ ما كذب القواد ما راى . ٤٨٤، ٤٨٢، ٧٢
- " " : ١٧ ما زاغ البصرو ما طغى . ٤٦٢، ٣٧٥، ٢٩٨، ٧٢
- " " : ١٨ لقد رأى من آيات ربه الكبرى . ٤٨٤، ٤٨٢، ٤٦٤، ٢٩٨
- " " : ٤٥ وان ليس للانسان الا ما سعى . ٤٧٤، ٤٧٢
- " " : ٤١ وان سعيه سوف يرى، ثم يُجْزاه الجزاء الأوفى . ٤٧٢
- " " : ٤٣ وان الى ربك المنتهى . ٣١٥، ٢٨٣، ٥٦
- ٥٤ (القمر) : ٥٥ وما امرنا الا واحدة . ٦٥٨
- " " : ٥٥ فى مقعد صدق عند مليك مقتدر . ٩
- ٥٥ (الرحمن) : ٣ علمه البيان . ١٢
- " " : ١٣ خلق الانسان من صلصال كالفخار وخلق الجن من نار من ناز .
٥٨٦
- " " : ٢٦ كل من عليها فان . ١٨٥
- " " : ٢٧ ويبقى وجه ربك ذى الجلال والاکرام . ٨١
- " " : ٢٩ كل يوم هو فى شان . ٤٨٥، ٣٩٨، ٣٩٧

- ٥٨ : " " كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ . ١١
- ٧٢ : " " حور مقصورات في الخيام . ١١
- ٥٦ (الواقعة) : ٧٩ : تنزيل من رب العالمين . ٤٩٤
- ٥٧ (الحديد) : ٣ : هو الأول والآخِر والظاهر والباطن . ٤٠٦٠٣٩٥٠٣٩٢٠٣٧٤
- " " : ٤ : يسبح لله ما في السموات وما في الأرض له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير، هو الذي خلقكم، فمنكم كافر ومنكم مؤمن، والله بما تعملون بصير . ٤٢٣
- ٦٥ (الطلاق) : ١٢ : خلق سبع سموات ومن لأرض مثلهن . ٤٤
- ٦٦ (التحریم) : ٦ : لا يصون الله ما امرهم ويفعلون ما يؤمرون . ٤٨
- " " : ١٢ : نفخنا فيه من روحنا . ٤٩
- ٦٧ (الملك) : ٣ : ما ترى في خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور . ٣٩١
- ٧٥ (المعارج) : ٤ : في يوم كان مقداره خمسين الف سنة . ٥١٥
- ٧١ (نوح) : ١٣ : وقد خلقكم اطواراً . ٩
- ٧٥ (القيامة) : ٢ : لا اقسام بالنفس اللوامة . ٢٣٢
- " " : ٢٢ : وجوه يُؤمئذ ناضرة، الى ربها ناظرة . ٤١٣
- ٧٩ (النازعات) : ٥ : فالمديرات امرا . ٤٥
- " " : ٤٥ : واما من خاف مقام ربه ونهى النفس عن الهوى فان الجنة هي الماوى . ١٤٧
- ٨١ (التكوير) : ٦ : واذا البحار سجرت . ٥٨٤
- ٨٥ (البروج) : ٢٥ : والله من ورائهم محيط . ٤١٥٠٣٨٦
- ٨٩ (الفجر) : ٢٨ : يا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ . ٢٣٣
- " " : ٢٩ : ارجعى الى ربك (راضية مرضية) . ٢٣٥٠٢٣٤٠٢٣٣
- ٩٣ (الضحى) : ٥ : وسوف يعطيك ربك فترضى . ٥٥١
- " " : ٦ : الم يجدك يتيماً " فأواك . ٢٨٤
- ٩٤ (الانشراح) : ٧ : فاذا فرغت فانصب والى ربك فارغب . ٣١٥
- ٩٩ (الزلزله) : ٧ : فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره . ٤٧٢
- ١١٢ (الاخلاص) : ١ : قل هو الله احد . ٤٥٩

٢- فهرست احاديث

- آخر ما يخرج من قلوب الصديقين حب الجاه . ١٨٨
- آدم ومن دونه تحت لوائى (يوم القيامة) . ٥٤٠، ١٠
- ابيت عند ربى . ١٥٧
- اتقوا فراسة المؤمن ، فانه ينظر بنور الله . ٥٥٥
- أجد نفس الرحمن . ٢١٩، ٧٢
- الاحسان ان تعبد الله كأنك تراه ، فان لم تك تراه ، فانه يراك ، ٤٨٢، ٤٨٠، ٤٧٩
- أحلت لي الغنائم ، ولم يحل لأحد قبلى . ٥٥٣
- اذا تم الفقر فهو الله . ٢٢٣، ٢٥٧
- اسلم شيطانى على يدى . ٤٩٩، ٣٧٨ (شيطانى اسلم بيدي)
- اصحابى كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم . ٥٣٥
- اكتب علمى فى خلقى (الى يوم القيامة) . ٥٧١، ٣٤٥، ١١٢، ٣٧
- اللهم اجعل لى نورا " فى قلبى . ٤٥٣
- (اللهم) أرنا الأشياء كما هي . ٤٦٤، ٣٩٧
- (اللهم انى أسألك بكل اسم هو لك سميت به نفسك ، او انزلته فى كتابك ، او علمته احدا " من خلقك) او استأثرت به فى مكنون الغيب . ٥٠١، ٣٩٩-٣٩٨
- اللهم اهد قومى فانهم لا يعلمون . ٤٥٦
- اللهم هؤلاء عبادك ، اجتمعوا لقتلى تقربا " اليك وتعصبا " لدينك فاغفر لهم . ٣٤٣
- ان ابا طالب لما رأى سرعة اجابة دعوات رسول الله صلى الله عليه وسلم قال له : ما اطوع ربك لك يا محمد ، فقال له رسول الله صلى الله عليه وسلم : وانت يا عم ، ان اطعته اطاعك . ٤٨٣
- ان الله تبارك و تعالى خلق آدم ف ضرب بيمينه على اليمنى ، فاخرج ذريرة بيضاء كالفضة ، ومن اليسرى سوداء كالحممة ، ثم قال : هؤلاء فى الجنة ولا بالى ،

وهو لاه في النار ولا ابالي . ٤٣٢ (خلقت هولاد للجنة ... الخ)

ان الله جميل يحب الجمال . ٢٤٧، ١٣٢

ان الله خلق آدم على صورته . ٤٧، ١٣٥، ١٨٦، ٤٥٦، ٤١٣، ٤٢٥، ٥٣٨، ٤٤٣

ان الله خلق آدم على صورة الرحمن . ٤٥٦

ان الله قال على لسان عبده سمع الله لمن حمده . ١٤، ٢٨١، ٣١٥، ٤٨٥، ٤٥٨، ٤٣٤

ان اول ما يحاسب به العبد يوم القيامة من عمله الملاءة ، فان صلحت ، فقد افلح و

انجع ، وان فسدت ، خاب وخسر ، وان انتقص من فريضته شيئاً ، قال الرب تبارك

وتعالى : انظروا ، هل لعبدي من تطوع فيكمل بها ما انتقص من الفريضة ؟ ثم

يكون ساير عمله على ذلك . ٤٥٩

ان الحق لتنطق على لسان عمر . ٥٣٥

ان خلق احدكم يجمع في بطن امه اربعين يوماً " نطفة ، ثم يكون علقة مثل ذلك ، ثم

يكون مضغة مثل ذلك ، ثم يبعث الله اليه ملكاً " ياربع كلمات ، فيكتب عليه

عمله واجله ورزقه وشقى ام سعيد ، ثم ينفخ فيه الروح . ٥٤٩

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم كان اذا غزا ناحية ورى بغيرها . ٣٥٥

ان سعداً " لغيرور وانا اغير منه والله اغير منى . ١٨٢-١٨٣

ان عفريتاً " من الجن ثفلت البارحة ليقطع على صلاتي ، فامكنني الله منه فاخذته ،

فاردت ان اربطه الى سارية من سوارى المسجد حتى تصبحوا وتنظروا اليه كلكم

فذكرت دعوة اخي سليمان ، رب هبلى ملكاً ، لا ينبغي لأحد من بعدى ، فرده الله

خاسئاً . ٤٦٥ ، ٤٦٦ . ورك " فامكنني ... "

ان غلظ جلد الكافر اثنين واربعين ذراعاً " ، وان ضرسه مثل احد ، وان مجلسه فى

جهنم ما بين مكة الى المدينة . ٤٧١

ان فى الجنة مائة درجة ما بين كل درجة ودرجة كما بين السماء والارض ، والفسردوس

اعلاها درجة ، ومنها تفجر الأنهار الأربعة ، ومن فوقها يكون العرش . ٤٧١-٤٧٢

ان لله تعالى ثلاثمائة خلق ، من لقى الله بواحد منها مع التوحيد ، دخل الجنة . ٤١٥

ان لله تعالى ثلاثمائة قلوبهم على قلب آدم ، واربعون قلوبهم على قلب موسى ... و

واحد قلبه على قلب محمد . ٤٥

ان لله تعالى سبعين الف حجاباً " من نور و ظلمة ، لو كشفها ، لأحرقت سبحات وجهه ما

ادركه بصره من خلقه . ٤٥٢

ان مثل قلب المؤمن كمثل ريشة فى فلاة تقلبها الرياح ظهراً " لبطن . ١٥١

- ان من الخيلاء ما يبغض الله . ١٤١
- ان من انعلم كهيئة المكنون لا يعرفه الا اهل المعرفة بالله ، فاذا نظقوا به لم ينكره الا اهل الغرة بالله . ١٥٣
- انا افصح العرب والعجم . ٨
- انا جليس من ذكرنى . ٤٣٧
- انا الحق . ١٥١ ، ٤٣٤
- انا سيد ولد آدم . ١٥
- انا لكل فى الحقيقة كل . ٤٥٤
- انا مدينة العلم وعلى بابها . ٥٢٤
- انا والساعة كهاتين . ٣٧٩
- انتما وحسن التجاء . ٢٣١
- انه ليقان على قلبى ، وانى لاستغفر الله فى اليوم مائة مرة . ٢١٥ ، ٤٨٣ ، ٤٨٤
- انى تارك فيكم ثقلين ، اولهما كتاب الله فيه الهدى والنور ، واهل بيتى ، اذكركم الله فى اهل بيتى ، اذركم الله فى اهل بيتى . ٥٣٥ ، ٥٣٤
- انى لاجد نفس الرحمن من قبل اليمن . ٢١٩ ، ٧٢
- انى لادع سبعين بابا " من الحلال مخافة ان اقع فى الحرام . ٢٥٣
- الروياء المادقة جزء من ستة واربعين جزءا " من النبوة . ٥٧٣
- سبحان من تعطف بالعز وقال به . ٥١٢
- سبحان من لا يوصل اليه الا به . ١٤٥ ، ١٦٦ ، ٢٢٢ ، ٣٦٨
- سبحانى . ١٥١ ، ٤٣٤ (سبحانى ما اعظم شانى)
- سبقت رحمتى غضبى . ٤١١
- سترون ربكم . ٤١٣
- السلام عليك ايها النبى ... السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين . ٦٢٦-٦٣٧
- سيروا الى الله عرجا " ومكاسير . ٢١٧
- ظنوا بالمؤمنين خيرا " . ٧٩
- العرض لا يبقى زمانين . ٤٧٢
- علماء امتى افضل من انبياء بنى اسرائيل . ٦٥
- علماء امتى انبياء بنى اسرائيل . ٥٢٦ (علماء امتى كانبياء بنى اسرائيل)
- علماء امتى كانبيا بنى اسرائيل . ٤٥٥ ، ٤٥٦

- كأنك تراه . ٤٨٢،٤٨٥ (فاعبد ربك كأنك تراه
 كأنه الآن في أدنى . ٦٤٥
 كل شيء فيه كل شيء . ٢٩٣،٣٢٧
 كل شيء يرجع إلى أصله . ٣٥٠،١٠٨،٥٩
 كل مولود يولد على الفطرة لكن أبواه هما اللذان يهودانه وينصرانه ويمجسانه . ٣٠٣
 كل ميسر لما خلق له . ٩ - لما خلق لاجله -
 كل يوم لم ازد فيه علماً ، فلا بورك لي في صبيحة ذلك اليوم . ٥٠٣
 كنت سمعه وبصره (ولسانه وبده ورجله) ١٤،١٨٤،٢٣٨،٢٤١،٢٨١،٤٥٢،٤٥٣،٤٧٩،٤٨٠،٤٩١
 ٦٣٤ . ورك " لا يزال...".
 كنت كنتزا " مخفياً " (فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لاعرف) . ٦٤٥،٤٨٤،٤٥٩،٧ . ورك -
 " فاحببت...". - لكي اعرف -
 كنت نبيا " وآدم بين الماء والطين . ٥٣٩،٥٢٥،٣٧٩،٣٧٨،٠٨
 لا يبلغ كل ما فيك . ١٠٧
 لا اله الا الله ، ليس لها دون الله حجاب حتى يفيض اليه . ٤٧١
 لا يخل في الدين ولا حسد الا في اثنتين . ٤٨٣
 لا تقوم الساعة وعلى وجه الأرض احد يقول: اللهم الله . ٤١٣
 لاهجرة بعد الفتح . ٤٢٩
 لا يختلا خلاها ، ولا ينفر صيدها ، ولا يعضد شوكتها ، ولا يقطع شجرها ، ولا يقتل الملتجى اليها
 مادام فيها . ٣٧٣
 لا يدرك الشيء بغيره (من حيث ما يغيره) . ٣٦٨،١٩٥
 لا يزال العبد يتقرب إلى بالنوافل حتى احبه ، (فاذا احببته ، كنت سمعه وبصره و
 لسانه وبده) . ٦٠٩،٤٦٥ . ورك " ما تقرب...".
 لا يعرف الله الا الله . ٥٧٥
 لقيت ليلة اسرى بي ابراهيم عليه السلام ، فقال : يا محمد اقرأ امتك مني السلام ، و
 اخبرهم ان الجنة طيبة التربة عذبة الماء ، وانها قيعان وان غراسها سبحان
 الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر . ٤٧٢
 لكل نبي رفيق ، ورفيقي عثمان . ٥٣٠-٥٣١
 لما تتسّموا روح الحياة . ٣٣٣
 لو دلتّتم بحبل لهبط على الله . ٣٨٧،٣٨٦

- لودنوت انملة لاحتقرت . ٢٩٦
- لولا دعاية فيه . ٤٥٣
- لولا علي لهلك عمر . ٥٣٤
- لولاك لما خلقت الكون . ٦٠٧٠٥٤٥
- لى مع الله وقت لا يعنى فيه ملك مقرب ولا نبي مرسل . ٥٠٧
- ليترب محمد لم يخلق محمداً " . ٥٥١
- ليتي كنت من امة محمد . ٤٩٥
- ليس احد اغير من الله ومن غيرته حرم الفواش . ١٨٢
- ليس الحير كالمعاينه . ٣١٣
- ليس ذلك لك ، ولكن وعزتي وكبريائي وعظمتي لاخرجن منها ، من قال لاله الله . ٦٢٢
- ليس في جيتي سوى الله . ٦٢٢ (في جيتي ...)
- ما اودى نبي مثل ما اوديت . ٤٥٦
- ما تجلى الله لشيء فاحتجب عنه بعد ذلك . ٤١١
- ما تقرب الي عدى شيء احوالي من ادا ، ما افترضت عليه ، ولا يزال يتقرب الي
بالتواقل حتى احيه ، فاذا احببته ، كنت سمعه الذي يسمع به ، وبصره الذي
يبصر به ، ولسانه الذي ينطق به ، رجليه الذي يمشي بها . ٦٠٨٠٦٠٦
- ما رايت شيئاً الا ورايت الله فيه . ١٨٤٠٧٥
- ما صاب الله في صدى الا وصبته في صدر ابي بكر . ٥٠٠
- ما قال عند لاله الا والله مخلصاً " من قلبه الا فتحت له ابواب السموات حتى يفضي الي
العرش . ٤٧١
- ما للتراب ورب الأرباب . ١٧٠٠١١٧
- ما مراد الحق من الخلق ؟ قال ، ما هم عليه . ٥٠٤
- ما منكم من احد الا وله منزلان . منزل في الجنة ومنزل في النار ، فان مات ودخل النار
ورث اهل الجنة منزله . ٢٠٥
- ما من يوم اكثر ان يعق الله فيه عبداً " من النار من يوم عرفه ، وانه ليدنو
بتحلي ثم ساهى بهم الملائكة ، فيقول ما اراد هؤلاء . ٤٥٣
- مثلث لي الجنة والنار في عرض هذا الحائط . ٥٤٩
- مرضت فلم تعدني (وجعت فلم تطعمني) . ٢٨١٠٢٤٧
- المنوع مطبوع . ٣٤١

- من اخلاصه اربعين صباحا " ظهر ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه . ٤١٦-٤٣٣-٤٣٤
من تقرب الى شرا " ، تقربت منه ذراعا " . ٢١٥-٢١٦-٣٥٩
من عرف نفسه عرف ربه . ١٩٩-٢٢٤-٥٦٥-٥٧٥
من عشق وعف وكرم ومات ، مات شهيدا " . ٢٨
من قتل دون ماله فهو شهيد . ١٥٧
من كان لله كان الله له . ١٧٣
منه بدأ واليه يعود . ٢٣٢-٢٣٤
موتوا قبل ان تموتوا . ١٥٢
نعوذ بالله من التنكر بعد التعرف ومن الحجاب بعد التجلي . ٢٦١-٢٣٩
نعوذ بالله من الحور بعد الكور . ٦٢٥
نفسك مطيتك فارفق بها . ٢٣٤
نور انى اراه . ٦٢٦ (قيل يا رسول الله هل رايت ربك ...)
واشوقاه الى لقاء اخواني ، (قيل: يا رسول الله ، السنا اخوانك ، قال: لا ، انتم
اصحابي ، واخواني الذين ياتون بعدي ، آمنواى ، لم يرونى) . ٥٨-٥٣٥
والله لو كان موسى حيا " لما وسعه الا اتباعى . ٢٨٦
وان تودوا كل ذى حق حقه . ١٢٧
والذى نفس محمد بيده . ٢٧-٢٩٨-٣٦-٥٣٨
والذى نفس محمد بيده ، لا يدخل الجنة الا الحسن الاخلاق . ٤٥٩ (الاحسن الاخلاق)
وريت سترت مرادى واظهرت خلاف ما اردت . ٢٥٥
وقد طبعت فيه العلوم . ٥٧١
الوقت سيف . ٢١٤ - الوقت سيف -
ووسعنى قلب عبدي المؤمن التقى النقى . ١٥-١٩٥-٢٤١-٢٢٨-٤٦٩
يا حميرا ، هذا جيرثيل يسلم عليك . ٣٧٥
يا داود فرغ لي بيتا " اسكنه . ٨٦
يا سارية الجبل الجبل . ٥٣٢
يا على انت منى بمنزلة هارون من موسى ، غير انه لانى بعدي . ٥٣٤
يا وليها اين تذهبون بي بها يسمع صوتها . ٥٨٧
يتجلى لهم الرب فى ادنى صورة . ٢٤٧-٢٣٦
ينبغى ان يكون المرید مع الشيخ كالميت بين يدي الفسال . ٧٢
ينزل الله كل ليلة الى السماء الدنيا . ٢٤٥

۳- فهرست اشعار فارسی

کین کار بآرزو همی آید راست ۱۴۰

با این همه من هیچ نمی یارم گفت	۱۱۴	شاید که مگر بنده نوازی این است
باری دارم که جسم و جان صورت اوست		چه جسم و چه جان جمله جهان صورت اوست
هر معنی خوب و صورت پاکیزه	۳۲۴	کاندر نظر تو آید آن صورت اوست
هر چیز که هست آن چنان می باید	۵۰۴	و آن چیز که آن چنان نمی باید نیست
بخود می باز از خود عشق با خود	۲۶۶	خیال آب و گل در ره بهانه است
در مجلس وصل او جای همه کس نبود	۱۸۰	جز هم نفسی تنها آنجا بنمی گنجد
چون طلعت خورشید تو تابان گردد		از سایه خود دلم گریزان گردد
زیرا که چو آینه ز صورت پرشد	۵۹۱	ناچار رخ آینه پنهان گزید
خیال ترک من هر شب مفات ذات من گردد	۱۷۵	هم از اوصاف من بر من هزاران دیدان سازد
یارم ره و رسم عشق نیکو دانند		هر خورده که شرطست در آن تو دانند
بگذاشته ام مصلحت خویش بسد و	۱۲۴	گر بکشد و گر زنده کند او دانند
زا اول که ز هر دو کون آثار نبود		برلسوح وجود نقش اغیار نبود
معشوقه و عشق و ما بهم می بودیم	۱۹۴	در گوشه خلوتی که دیار نبود
خواهی بوصول کوش و خواهی بفراق	۱۲۴	من فارغم از هر دو مرا عشق تو نیست
فانی محض گرد تا بر سستی	۲۲۱	راه نزدیکتر همین دینم
هر چه از تو آید خوش بود	۱۳۷	خواهی شفا خواهی الیم
عید دگران گذشت و من هنرفسی	۳۲۸	چون روی تو بینم به نوبت عید کنم
با دو قبله در راه معشوق نتوان رفت راست	۱۲۱	یا رضای دوست باید یا هوسای خویش
اج خودش دخودی جهنامه و اجار	۲۶۶	آو گل دو هانسه ساتشمانست
مرتد گسردم اگر ز تو برگردم	۱۲۳	ای جان و جهان تو کفر و ایمان منی

٤- فهرست اشعار عربي

٤٥٤

لك من حسنك راع ورقيب ١٧٨
الى حمام سراع وارد الشمد ٤٣٠
فاترك ما اريد لما يريد ١٦٠
خروا لعزه رُكعًا " وسجودا " ٤٥٤
فت الحسان فوات قبيل فواتكا ٣٣٧
احب من العناق مع الوصال
وفي الهجران عبيد للمولى
احب الى من شغلى بحالى ١٦٠
فما زلت منحدرًا " ترتقى ٣١٣
فعيني تسرى دهرى وليس يرانى
واين مكانى ما درين مكانى ١٠٥
فكيف ما شئت فاخترتسى ١١٣

انا من اهوى ومن اهوى انا
لست تحتاج رقيبًا " حافظًا "
واحكم كحكم فتاة الحياذنظرت
اريد وصاله ويريد هجرى
لو يسمعون كما سمعت حديثها
يا من وفاتى فى فوات وصالكما
وتقليبي مع الهجران عندي
لانى فى الوصال عبيد نفسى
وشغلى بالحبيب بكل وجهه
تخيرك الله من آدم
تسترت عن دهرى بظل جناحه
فلو تسال الأيام ما اسمى مادرت
فليس لى فى سواك حظ

فهرست اعلام

آدم ۳۸۱۰۳۷۹۰۳۷۸۰۳۷۱۰۲۹۷۰۲۶۶-۲۶۴۰۱۸۶۰۱۳۰۰۱۲۹۰۱۲۷۰۱۲۶۰۶۵۰۵۶۰۵۴۰۴۹۰۴۰۰۱۳۰۱۰۰۸

۶۳۲۰۵۸۷۰۵۶۸۰۵۷۱۰۵۶۶۰۵۴۲۰۵۳۹-۵۳۷۰۴۹۰۰۴۰۹۰۴۰۸۰۳۹۲۰۳۸۲

آصف (بن برخیا) ۵۱۸۰۵۱۰۰۴۶۰

آل حنیفه ۵۳۲

آمنه ۶۴

آية الكرسي ۴۵۹

ابراهيم ۵۱۹۰۱۹۱۰۱۲۸۰۵۶

ابليس ۶۲۰۰۶۱۹۰۵۸۶۰۵۵۰۰۴۰۹۰۵۴۰۵۱

ابن سكينه ، شيخ ۵۱۴

ابن عباس ۳۸۳

ابن الفارض ۷۷۰۹۰۵

ابوبكر ۵۳۲۰۵۳۰۰۵۲۷۰۴۶۲۰۴۶۰

ابوالدرجاء ۶۳۲

ابوزيد سروجي ۵۵۹

ابوالسعود البغدادي ، شيخ ۴۵۵۰۲۹۰

ابوسعید خراز ، شيخ ۳۹۵

ابوطالب ۴۸۴۰۴۸۳

ابوعبداللہ قرشي ۱۴۷

ابومدين ، شيخ ۱۴۶

ابونواس ۱۰۵

ابوزيد ، شيخ ۳۱۱

ادرس ۵۶

- اسرافیل ٤٤٩
 افلاکیه ٢٤٧
 اقصی ، مسجد ٣٣٠،٣٢٧
 انجیل ٦٢٢،٦٢١
 اهل بیت ٥٣٠،٥٢٩،٠٨
 ایوب ٩٦،٩٥
 باخرزی ٣٣٧
 باقر (ع) ٥٣٥
 بایزید ٣٤٣
 بشنیه ٢٦٩-٢٦٧
 بخاری ٦٠٦
 بشیر ٥٢٢
 بطایح ٦١٢
 بغداد ٥١٥،١١٣
 بلقیس ٥١٨،٥١١،٠٤١٢
 بنی اسرائیل ٥٢٢
 بهرام ٤٤
 بیت المقدس ٣٣٠،٣٢٩،٠٣٢٧
 پارسی ٥٠٤،٢٥٥
 پهلوی ٢٦٦
 تدمر ٥١٨
 ترکی ٢٥٥
 ترمذی ، حکیم ٦٣٢
 تورات ٦٢٢،٥٥١،٠٤٠٥،٢٨٦
 ثریا ٢٩٥
 جبرئیل ٥٤٩،٥١٨،٥١١،٠٤٩٥،٠٤٩٤،٠٤٩٣،٠٤٩٢،٠٤٩١،٠٤٩٠،٠٤٨٩،٠٤٨٨،٠٤٨٧،٠٤٨٦،٠٤٨٥،٠٤٨٤،٠٤٨٣،٠٤٨٢،٠٤٨١،٠٤٨٠،٠٤٧٩،٠٤٧٨،٠٤٧٧،٠٤٧٦،٠٤٧٥،٠٤٧٤،٠٤٧٣،٠٤٧٢،٠٤٧١،٠٤٧٠،٠٤٦٩،٠٤٦٨،٠٤٦٧،٠٤٦٦،٠٤٦٥،٠٤٦٤،٠٤٦٣،٠٤٦٢،٠٤٦١،٠٤٦٠،٠٤٥٩،٠٤٥٨،٠٤٥٧،٠٤٥٦،٠٤٥٥،٠٤٥٤،٠٤٥٣،٠٤٥٢،٠٤٥١،٠٤٥٠،٠٤٤٩،٠٤٤٨،٠٤٤٧،٠٤٤٦،٠٤٤٥،٠٤٤٤،٠٤٤٣،٠٤٤٢،٠٤٤١،٠٤٤٠،٠٤٣٩،٠٤٣٨،٠٤٣٧،٠٤٣٦،٠٤٣٥،٠٤٣٤،٠٤٣٣،٠٤٣٢،٠٤٣١،٠٤٣٠،٠٤٢٩،٠٤٢٨،٠٤٢٧،٠٤٢٦،٠٤٢٥،٠٤٢٤،٠٤٢٣،٠٤٢٢،٠٤٢١،٠٤٢٠،٠٤١٩،٠٤١٨،٠٤١٧،٠٤١٦،٠٤١٥،٠٤١٤،٠٤١٣،٠٤١٢،٠٤١١،٠٤١٠،٠٤٠٩،٠٤٠٨،٠٤٠٧،٠٤٠٦،٠٤٠٥،٠٤٠٤،٠٤٠٣،٠٤٠٢،٠٤٠١،٠٤٠٠،٣٧٥،٢٩٦،٢٧٩،٢٧٨،٢٤٩،١٢٦
 جریر ٨٣
 جعفر صادق (ع) ٥٣٥،٣١١
 جمعه ٣٢٨

- جمیل ٢٦٧-٢٦٩
 جنید ٢١٥
 جودی ، کوه ٥١٧
 حجارالاسود ٥١٤
 حجة الوداع ٥٥٥
 حدیث بهشتیان ٣٣٤
 حدیث شفاعت ٦٢٢
 حدیث عفريت ٤٩٥،٤٩٣
 حدیث معراج ٢٩٦،٥٦
 حرا (غار) ٦٤
 حرم ٣٢٩
 حرمین ٣٣٥،٣٢٧
 حریری ، ابوالقاسم ٥٦٥،٥٥٩
 حسن (ع) ٥٣٥
 حسنین (ع) ٥٣٥
 حسین (ع) ٥٣٥
 حضرت رسالت (ص) ٤٦٢
 حلاج ٢٤٢،٢٩٢
 حمیرا ٣٧٥
 حوا ٢٦٤،٢٦٥
 حواریان ٤٦٥
 خاتم النبیین (ص) ٣٩٥
 خاندان (ع) ٣١٤
 حنند ٧١
 خضر ٥٩٦،٣٩٩،٧١-٦٥٥
 خلیل الله ٩٥
 خواص ٢٩٢،٣٩٩،٤٥٥
 داود ٨٦
 دجله ٥١٤
 دحیه کلبی ٢٤٩،٢٧٨-٢٨٥،٥٤٩

- دهریه ٣٤٧
ذوالنون ٦٤٥٠١٩٣
رخش ٤٩٤٠٣٤٥
رستم ٤٩٤٠٤٣٥
رسول (ص) ٠٦٣٢٠٥٠٣٠٥٠٢٠٤٩٣٠٤٥٣٠٣٠٥٠٢١٨٠٢١٣٠١٣٢
رضا (ع) ٥٣٠
رمضان ٣٢٧٠٢٧٥
روح الامین ٥٣٧
روم ٧٨٠٥
زردشت ٦٢٨-٦٢٧
زرگر صوفی ٥١٥٠٥١٤
زند ٦٢٨
زهره ٤٤
زین العابدین(ع) ٥٣٠
ساریه ٥٤٩٠٥٣٣٠٥٣٢
سیا ٥١٨
سدرۃ المنتهی ٢٥٦
سعد الدین حموی ، شیخ ١٢٨
سلیمان ٥١٩٠٤٦٠
سمنون محب ١١٣
سوه فاتحه ٥١٣
سوره فتح ٥٤١٠٥٣٩
سهل ٥٠٤٠٢٤٩
سیبویه ٩٨
سینا ، کوه ٩٣
شام ٥١٨٠٧٨٠٥
شیلی ٤٥٤٠١٤٦
شهاب الدین سهروردی ، شیخ ٥١٣
شیخ الشیوخ (سهروردی) ٥١٤٠٥١٣

عمادالدين بن شيخ شهابالدين سهروردی ٥١٣

عمر ٢٨٦ ، ٤٦٢ ، ٥٣٠ ، ٥٣٢ - ٥٣٤ ، ٥٤٩

عیسی ٤٩ ، ٥٦ ، ٥٦ ، ١٢٨ ، ٤٦٠ ، ٤٨٣ ، ٥٢٢ ، ٥٢٣ ، ٥٣٩ ، ٦٢١ ، ٦٢٢ ،

عیسی مغربی ، شیخ ٥١٤

عزاه تیوک ٢١٨

فاتحه ٥١٣

فاطمه (ع) ٥٢٩

فتح سوره ٥٤١ ، ٥٣٩

فخرالدين رازی ٥٥٦

فرعون ٥٢٥

فرغانی ، سعیدالدين سعید ٧٨ ، ٦

فصوص ٣٥

فقیه احمد ٧١

قدر ، شب ٢٢٢ ، ٢٢٨ ، ٢٢٧

قدس ٣٣٥ ، ٣٢٧

قرآن ٢٣ ، ٤١ ، ٤٣ ، ٤٥ ، ٩٢ ، ١٢٥ ، ١٨٢ ، ٢٨٥ ، ٢٨٣ ، ٢٨٤ ، ٣٠١ ، ٣٥٢ ، ٣٩١ ، ٣٩٤ ، ٤١٠ ، ٤١٢ ، ٤١٩ ، ٤٥٥ ،

٤٧١ ، ٤٨٦ ، ٤٨٨ ، ٤٩٢ ، ٤٩٥ ، ٤٩٩ ، ٥٠٢ ، ٥٠٣ ، ٥١٣ ، ٥١٩ ، ٥٢٠ ، ٥٢٤ ، ٥٢٩ ، ٥٣٢ ، ٥٣٤ ، ٥٤٢ ، ٥٤٩ ،

٥٧٤ ، ٦٠٥ ، ٦٢١ ، ٦٢٢

قضالبان ٧١

قمر ٤٤

قوتالقلوب ٢٧٥

قوم (= صوفیه) ٢١٤ ، ٢٤٥

قونیه ٧١

قیس ٢٦٣ ، ٢٦٧ ، ٢٦٩

کاظم (ع) ٥٣٥

کثیر ٢٦٣ ، ٢٦٧ ، ٢٦٩

کعبه ١٩٥ ، ١٩١ ، ٢٥٩ ، ٢٦٠ ، ٢٧٥ ، ٣٢٩ ، ٣٧١ ، ٣٧٢ ، ٣٧٣ ، ٣٩٧ ، ٥١٤ ،

کلیم ٢٩٨

کوه جودی ٥١٧

کوه سینا ٩٣

کیوان ٤٤

گشتاسب ٦٢٨،٦٢٧

لبنی ٢٦٣-٢٦٧-٢٦٩

لیلة القدر ٣٢٧،٣٢٨،٣٢٢

لیلی ٩١،٢٦٣،٥٠٦

مجره ٢٩١

مجنون ٩١،٢٦٣،٥٠٦

مجنون ٦٢٦

محمد (ص) ٣٧،٣٨،٥٥،٦٥،٢٨٤،٢٩٨،٣٦٥،٤١٥،٤٨٣،٤٩١،٤٩٥،٥٥١،٥٥٦،٥٦٠،٦٢٧،٦٤٧

محمد بن اسحاق بن محمد بن یوسف بن علی رومی فونوی ٧٧

محبی الدین (ابن العربی) ٣٥،١٢٦،١٢٨،١٤٥،٤٧٦،٦٣٣

مدینه ٢٢٧،٢٢٩،٤٧١،٥٢٢،٥٣٣

مروه ٣٧٢

مسجد اقصی ٢٢٧،٣٣٥

مسلم ٤٥٣،٦٠٦

مسیح ٦٢٤

مسلمه کذاب ٥٣٢

مشارق الدراری الزهرفی کشف حقایق نظم الدرر ١٢-١٣

مشتري ٤٤

مصر ٥٧٧،٧٨،٥١٤،٥١٥،٥٢٢

مصطفی (ص) ٢٣،٥٦،٢٧٨،٢٨٠،٢٨٦،٢٩٧،٣١٢،٣٢٩،٣٧٥،٤٠٣،٤٠٧،٤١٠،٤١٩،٤٥٦،٤٦٠،٥٢٤

٥٢٦،٥٢٧،٥٢٨،٥٣٠،٥٣٦،٥٤٩،٥٥٠،٥٥٣،٥٧٢،٦٢١،٦٢٣،٦٢٦،٦٣٢،٦٣٤،٦٣٦،٦٣٧،٦٤١

مصلحت، شیخ ٧١

معطله ٣٤٧

معین الدین پروانه ١٢

مقام ابراهیم ١٩١

مکه ٢٢٧،٢٢٩،٢٩٧،٤٧١

موسی ٥٦،٦٥،٧٢،٨٩،٩٠،٩٢-٩٤،١٠٨،١٢٨،١٢٨،١٢٨،٢٨٤،٢٨٦،٢٩٦،٢٩٧،٣٦١،٣٩٤،٤١٠،٤٦٥،٤٩٥

٦٤٥٠٦٣٩٠٦٢٧٠٦٢٢٠٦٥٥-٥٩٥٠٥٢١٠٥١٩

موصل ٢١

مهدی ٦٩

میزر ٥١٤

میکائیل ٤٤٩

نابغه ٤٣٥

نبی ٤٥٩٠٣١٤٠٢١١

نمرود ٥١٩

نوادیر الاصول ٦٣٢

نوح ٥١٧٠١٢٨٠٩٥

نورالدین جیلی ، شیخ ٤٥٨

نهایوند ٥٣٣٠٥٣٢

نیل ٥١٥

وادی ایمن ٦٣٩

هارون ٤٦٥٠٤١٥٠٥٦

یحیی ٥٦

یس ٣١٤

یعقوب ٥٢٢٠٥٢١٠٩٦٠٩٥

یمن ٥١٨٠٧٢

یهود ٦٣٢

یوسف ٥٩٦٠٥٩٥

یونس ٤٥٨٠٤٥٧

۶- فهرست اصطلاحات و تعبیرات

آب ۴۴، ۳۸۸، ۴۷۱، ۵۴۰- و خاک ۵۴، ۵۸۶، ۵۸۷- سوکل ۶۱، ۱۲۵، ۱۲۶- دیده ۹۴، ۹۵، ۱۰۵-

آتش ۴۴، ۳۸۸، ۴۷۱، ۵۴۰- و هوا ۵۴، ۵۸۷- اشتیاق ۱۰۷- اندوه ۹۵- پرسیدن ۶۲۷-

سوق ۹۵، ۱۰۷، ۱۲۰، ۱۷۰، ۳۱۷، ۳۱۸- طلب ۷۳- عشق ۸۷، ۹۹، ۱۱۵-

آشکده ۶۲۷ خز ۳۷۵

آخرت ۲۰۵، ۳۴۷، ۳۷۹، ۴۷۴، ۶۳۳- رک برزخ و آخرت، دنیا و- ، نشأت- . آخرت و اولی ۱۴۴

آخریت ۴۰۵، ۴۰۶

آدمی ۴۱۱، ۴۸۰، ۴۹۰، ۵۲۰، ۳۷۹، ۴۱۴- آد미ان ۱۰، ۵۸۶، ۵۸۷، ۶۳۸

آراد ۱۲۲- و فارغ ۱۰۸

آزادی ۱۲۳، ۲۳۶- و بی التفاتی به اغیار ۲۲۳

آسمان ۵۸۷- آسمان ۴۵، ۶۳۲- آسمان و زمین ۶۰۵، ۶۴۲- بهشت ۳۸۱-۳۸۳- چهارم ۴۴-

دنیا ۳۷۳- آسمانهای هفت گانه ۴۴

آفات نفس ۲۳۲

آفتاب ۴۴، ۴۵

آفرینش ۱۳، ۴۰، ۵۱۰، ۲۹۹، ۵۴۷، ۵۹۲، ۶۲۲، ۶۳۱- و آفرینندگان ۱۶۲- آدم ۴۰۹

آگاهی ۵۲، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۲، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۵۰، ۳۱۵، ۳۳۵، ۳۶۱، ۳۶۵، ۴۳۷، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۰، ۵۵۸-

۵۶۵، ۶۲۴، ۶۳۰- شمام ۲۲۶

آلت ۴۰، ۸۲، ۲۲۷، ۲۶۶- آلت ۲۲۸، ۴۴۰، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۸۷، ۴۹۱، ۵۷۰- و مدارک حسی ۵۷۵- آلت

ادراک ۱۴، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۶۰- آلت ادراک ۲۹۷- ناشیرات ۵۸- طبیعی ۵۵۵- ظاهر

۵۷۱، ۵۷۰

آلی ۵۴۸

آیت : آیات و احادیث ۴۱۳، ۴۵۹- و تحلیلات ۳۰۲- و معجزات ۴۹۱، ۵۲۴- آیت محکم ۱۲۴-

آیات کبری ۴۸۲، ۴۸۴، ۶۱۹

- آيينه ٢٨، ٤٤، ٥٤، ٥٧، ٦١، ١٢٦، ١٣٠، ١٨٣، ٣٢٥، ٣٦٨، ٤٢٥، ٤٢٧، ٤٣١، ٤٣٧، ٤٣٩، ٤٥٠، ٤٥٦، ٥٦١ -
 ٥٦٢، ٥٦٥، ٥٦٧، ٥٦٨، ٥٧٠، ٥٩٤، ٦٠٥، ٦٠٦، ٦٠٩، ٦٤١ - . رک مظهر و آيينه . آيينه و محل ظهور
 ٥٩١ - . و مظهر ٦٣، ٤٢٥، ٥٩٢ - . اسمای الهی ٦٣ - . تجلی احدى جمعی ٥٤٥ - . تجلی
 اول ٥٧، ٦١ - . تجلی ذاتی ٦٢ - . تجلی سر وجودی ١٧٥ - . جمال مطلق ٨٢، ٨٥ .
 جمعيت و کمال ظهور ٦٠٧ - . حضرت ٥٦ - . حضرت الوهيت ٥٢ - . حق ٣٥ - . دل ٢٠٨، ٢٢١
 دل وهستی ٢٥٧ - . ذات ٣٥ - . عالم ٣٥ - . کثرت حقایق علم ٣٩٥ - . کمال ظهور ٦٠٨ .
 - مزاج آدم ٥٧١ - . نفس ٤٢٥ - . وحدت وجود ٣٩٥
 ابتداء ٣٠٤ - . و انتهاء ٤٢، ٢٤٠ - . عشق ٩٠، ٩٢، ٩٣، ٣١٥
 ابتداء و اختراع ٩٣٣
 ابتلا ١١٨ - . ابتلاء و اختيار ٨٤ - . ابتلاآت احکام شرعی ٤٧٤، ٤٧٥ - . احکام شریعت ٤٦٩ .
 - شرعی ٤٦٥، ٤٦٩
 ابد ١٩٥، ٣٣٩، ٤٠٨، ٥٢٤
 ابداع ٥٨
 ابدی ٤٧٤، ٨٤، ٣١٥
 ابدیت ٤١٢، ٦٣٣
 ابعاد و اضلال ٢٠٢
 اتباع و اقتداء ٧٧
 اتحاد ٥٩، ٧٢، ١٠٢، ١٠٧، ١١٤، ١٥٠، ٢٠٠، ٢٠٢، ٢٠٤، ٢٤٠، ٢٥٣، ٢٥٤، ٢٦٧، ٢٦٨، ٢٧١ - ٢٧٢، ٢٧٤، ٢٨٢
 ٢٩٢، ٢٩٣، ٢٩٦، ٣٠٧، ٣٤٢، ٣٦٧، ٣٧٩، ٣٩٧، ٤٥٥، ٥٠٨، ٥٠٦ - . وک ما به الاتحاد، مقام
 اتحاد و اتصاف ٧٣ - . و اجتماع ٤٢٨ - . و جمع الجمع ٢٧٤ - . و جمعیت ٣٣٣ - . و دوران
 ١٠١ - . و انتهای اتحاد ٢٤١ - . و مبدا اتحاد ٢٤٠ - ٢٤١ - . و وسط اتحاد اتحاد بصریاً
 بسیرت ٢٤١، ٣٣٠، ٤٢٨، ٤٢٩ - . به معشوق ٢٥٤ - . دل یا چشم ٢٩٨ - . صفات ٥٠٨
 اتصاف ٥٧، ٧٣، ٥٥٣، ٦٤٤ - . به اوصاف ١٢٢، ٤٤١ - . به صفات تنزیهی ١١٨ - . به صفت کثرت
 ١٧٩
 اتصال ٤٥، ٦٤، ٦٦، ٨٦، ١٠٧، ١١٥، ١٣٣، ١٤٣، ١٦٩، ٣٣٩، ٣٦٧، ٤٢٨، ٤٢٩، ٤٨٥، ٤٩٧، ٥٦٧، ٦٤٢ - .
 وک کمال اتصال . اتصالات ٤٥، ٥٨، ٥٩، ٤٠٩، ٤٨٤، ٤٨٥، ٦٤٢ - . وک تشکلات و اتصالات .
 اتصال و قرب ١٤٤ - . اتصال کوکبی ٦٦ - . اتصالات کوکبی ٦٣
 اتم العوالم ٣٣٥
 اتیان ١٣٥

۰۶۱

اجتماعی ۰۴۹۶ - رک هیات اجتماعی .

اجتماع ۲۹۴،۲۶۱،۲۲۱

اجماع ۳۸۱،۲۷۶

اجمال ۰۶۵،۰۳۶،۰۲۷،۰۴۰،۰۲۳،۰۴۳،۰۵۷ - و اشتمال ۰۶۳ . اجمال و تفصیل ۰۲۰۹ - اجمالا" و

تفصیلا" ۰۵۴،۰۴۱،۰۴۱،۰۴۱،۰۵۱،۰۵۳،۰۶۰ . اجمال و کلیت ۰۳۷۷ - و وحدت ۰۴۱،۰۴۳

اجمالی ۰۴۲،۰۶۴،۰۲۰،۰۳۵،۰۳۷،۰۴۳،۰۴۰،۰۶۷،۰۶۴۳ . رک صورت اجمالی ، صورت عنصری - .

احاطت ۰۱۱۹،۰۳۶۹،۰۳۸۷،۰۴۰۶،۰۴۱۶،۰۵۴۴،۰۵۵۲ - بالحکم ۰۳۸۶ - بالذات ۰۳۸۶

احتجاب ۰۲۶۴،۰۳۷۰،۰۳۷۲،۰۳۷۴،۰۳۹۵،۰۳۹۷،۰۳۹۹ - و پنهانی ۰۲۶۹ - و محرومی ۰۱۱۶

احتیاج ۰۹۳،۰۲۰۷،۰۲۵۸،۰۵۰۰،۰۵۰۲ - و استعداد ۰۵۰۲

احمد ۰۱۵،۰۱۷

احدی ۰۱۰،۰۴۲،۰۵۵،۰۳۴،۰۰۶۳۶ - جمعی ۰۳۷،۰۴۵،۰۴۳۱،۰۴۹۶،۰۴۹۸،۰۵۰۰،۰۵۰۱،۰۵۳۲،۰۶۳۸،۰۶۴۰ - رک

تجلی احدی جمعی . احدی اسیر ۰۶۶

احدیت ۰۲۲،۰۴۸،۰۵۰،۰۹۲،۰۱۸۹،۰۲۴۲،۰۳۵۵،۰۵۷۷،۰۶۳۳ - رک جمع و احدیت ، حضرت - . احدیست و

و احدیت ۰۲۲،۰۴۸،۰۴۰۱،۰۴۸۹،۰۴۹۰،۰۵۳۸،۰۶۳۶ . رک و احدیت و احدیت . احدیت جمع ۰۷ ، ۰۲۵

۰۲۶،۰۵۷،۰۶۳،۰۱۸۶،۰۲۸۳،۰۲۸۷،۰۳۰۱،۰۳۰۴،۰۳۰۷،۰۳۱۰،۰۳۱۱،۰۳۲۷،۰۳۴۴،۰۳۷۰،۰۳۸۵،۰۳۹۵،۰۴۰۵

. مقام احدیت جمع ، رک حضرت احدیت جمع ، ۰۴۰۶،۰۴۳۱،۰۴۴۴،۰۵۹۱،۰۶۳۶ .

احدیت جمع ذات ۰۴۳۷،۰۴۴۵، جمع عمدی ۰۲۸۲ - جمع میان احدیت و واحدیت ۰۶۳۶ - جمع

و وجود ۰۷ - جمعیت ۰۱۷ - ذات ۰۴۰۲،۰۴۰۴،۰۴۸۹،۰۴۹۰،۰۵۰۱،۰۵۲۸

احساس ۰۱۶۳،۰۱۷۲،۰۳۹۸،۰۳۹۹،۰۴۵۰،۰۵۴۵،۰۵۴۶ - و ادراک ۰۳۹۸

احسان ۰۲۳۳،۰۳۴۲،۰۴۶۶،۰۵۲۵،۰۶۳۹،۰۶۴۱ . رک مقام احسان .

احمدی ۰۱۰،۰۲۹۸ - السیر ۰۵۲۶

اخبار ۰۵۲۵،۰۵۲۶ - و اظهار ۰۱۷۱،۰۹۹

اختراع ۰۵۸،۰۵۹۲

اختصاص ۰۵۰۷ - و احتیاز ۰۳۷۵ - و تمیز ۰۲۴۶ - هررسولی به قومی معین ۰۶۴۱

اختصاصی ۰۴۳،۰۵۷،۰۱۴۷،۰۱۶۳،۰۱۷۳،۰۲۴۵،۰۶۳۸،۰۶۳۹ - . رک رحمت اختصاصی ، کمال - ، هدایت - .

اختلاف ۰۴۹،۰۵۹،۰۱۲ ، ۰۶۰۶ . رک کثرت و اختلاف . اختلاف احکام اسحای ربانی ۰۳۱

اختیار ۰۱۳۴

اختیاری ۰۴۳

- اخروی ۰۶۰۰۰۴۷۴۰۴۷۳۰۴۶۵۰۲۳۰۰۲۲۳۰۲۱۸۰۲۰۴ . رک دنیوی و اخروی .
- اخلاص ۰۶۰۹ . ۱۴۸۰۱۱۹ . ۱۴۹۰۲۰۶ . ۲۱۱۰۲۰۶ . ۲۶۹۰۲۱۱۰۲۰۶ . ۶۳۳۰۶۰۸۰۴۷۱۰۳۶۹۰۲۱۱۰۲۰۶ . و توحید در عمل ۰۶۰۹
- اخوت ۵۳۶۰۵۳۵
- ادای فرایض و نوافل ۰۶۱۳۰۶۱۲۰۶۱۰
- ادب ۰۵۵۳۰۴۱۹ . آداب ۰۲۰۳۰۲۷۴۰۳۷۰۴۵۳۰۰۵۰۳ . و اخلاق ۰۱۴۵۰۱۴۷۰۱۶۵ . رک اخلاق و آداب .
- آداب و شمایل ۰۶۴۷ . و صنایع ۰۵۶۸ . شرعی و عقلی ۰۵۳۹ . شریعت و طریقت ۱۶۶
- ادراک ۱۸۳۰۱۸۲۰۱۷۸۰۱۷۶۰۱۶۹۰۱۶۸۰۱۶۲۰۱۳۴۰۱۱۰۰۱۰۹۰۱۰۲۰۱۰۰۰۹۳۰۹۲۰۸۸۰۷۲۰۳۷۰۳۶۰۱۴
- ۰۱۸۳۰۱۸۲۰۱۷۸۰۱۷۶۰۱۶۹۰۱۶۸۰۱۶۲۰۱۳۴۰۱۱۰۰۱۰۹۰۱۰۲۰۱۰۰۰۹۳۰۹۲۰۸۸۰۷۲۰۳۷۰۳۶۰۱۴
- فهم و . ۰۳۵۱-۰۳۵۴-۰۳۵۶-۰۳۵۸-۰۳۶۲-۰۳۶۴-۰۳۷۰-۰۳۸۲-۰۳۸۷-۰۳۹۸-۰۴۲۰-۰۴۲۸-۰۴۳۸-۰۴۳۹-۰۴۸۷-۰۴۹۰
- ۰۴۹۸-۰۵۹۲-۰۵۹۳-۰۶۲۶ . ادراکات ۰۱۶۹-۰۳۹۶-۰۵۷۶ . ادراک و تعقل و توهم ۰۳۸۴ . و شهود و
- حضور ۰۰۸۷ . و فهم ۰۰۴۲۹ . و معرفت ۰۵۹۲-۰۵۹۳ . و نظر ۰۰۴۲۰ . به بصر ۰۲۲۸ . به ابصار
- ۰۰۱۱۱ . به چشم ۰۰۱۰۱ . به سمع و بصر ۰۱۸۳ . جزئی ۰۲۲۷ . چشم ۰۱۰۱-۰۲۹۸-۰۲۹۷ .
- حقایق اشیا ۰۵۷۵ . ادراکات عقل ۰۵۷۵-۰۵۷۶ . ادراک کلی ۰۲۲۷ . کمال ذاتی و
- اسمائى ۰۲۹ . گوش ۰۱۰۱-۰۱۰۲ . مبصرات ۰۱۸۷ . مجردات و روحانیت ۰۵۷۶ . مسموعات
- ۰۱۸۷ . معانی مجرد ۰۵۷۴-۰۷۳ . ادراکات نفس ناطقه ۰۲۲۷
- ادراکی ۰۵۷۵
- اثن الهی ۰۵۲۲-۰۵۲۳ . خاص ۰۵۲۳-۰۵۲۶
- ارادات ۰۱۴۸۰۱۲۴۰۷۲۰۷۱ . ۰۲۰۳-۰۳۰۹-۰۳۳۷-۰۲۶۶-۰۲۷۴-۰۴۱۷-۰۵۴۶ . رک حیات و علم و اراده و . . .
- ارادات و حظوظ ۰۱۶۴ . و مقاصد ۰۶۰۸ . ارادات و عشق ۰۱۲۴ . و قدرت و علم ۰۰۵۱ . و
- قصد ۰۰۵۰ . اصلی ۰۶۰۰-۰۷۲
- ارباب : ارباب احوال به حضوری و اسمی مقید ۰۰۴۰۰ . سیر و طریق ۰۰۱۶۵ . کشف صحیح ۰۴۷۳ .
- اربابیت ۰۰۶۴۶ . مقامات مع احتجاب ۰۰۳۳۹ . نوایات ۰۲۱۲
- اربعینیات ۰۴۷۷
- ارتباط ۰۰۴۷۳-۰۳۶۰ . و وصل ۰۱۵۷
- ارتسام ۰۳۹۵-۰۲۲
- ارتقاء ۰۰۶۰۰-۰۳۸۲ . ی روح ۰۳۵۰
- ارشاد ۰۲۸۸۰۲۸۶۰۲۷۴۰۲۶۰۰۲۴۰۰۲۳۰۰۲۲۹۰۲۱۱۰۲۰۹۰۲۰۴۰۲۰۳۰۱۵۳۰۱۴۸۰۱۳۸۰۱۳۷۰۷۱۰۱۲
- ۰۲۵۸-۰۳۴۷۰۳۰۹ . رک دعوت و ارشاد . ارشاد و تکمیک ۰۲۵۸
- و تکمیل و هدایت ۰۰۲۰۸ . و حفظ ۰۰۲۳۱ . و دعوت ۰۰۵۵۴ . و هدایت ۰۲۹۶-۰۳۴۷۰۳۱۰

٢٠٨،٢٠٣ - طالبان ٢٠٨٠٢٠٣

ارض ٥٦٧- الارض المخلوقة من طينه آدم ١٢٦

ارضى ٤٧

ازالت : ازاله احكام امتيازي ٦٣٨- احكام احتيازي نسب و اضافات ٦٠٩- تفرقه ٤٧٧

- مابه الامتياز او الاختلاف ٦٠٦

ازل ١١٦،١٤٧،١٩٥،٥٤٦،٥٨٠،٦٠٩- من الازل الى الابد ٥٢٤،٣٣٩- ازلا " وابدأ " ٤٠٨

ازلي ٥٠٣،٥٠٤،٥٤٦

استجابت ٢١٣

استجلا ٥٤،٢٩

استحضار ٢٢،٢٤

استدراج ٤٥٢

استدلال ٤٢٥،٥٧٤

استشرف ٥٠٢،٥٣

استشمام ٧٢

استعداد ٩، ٥١،٧٧،٩٧،٩٩،١٩٤،٢٠٦،٢١٠،٢٩٢،٣٤٥،٣٤٨،٣٧٧،٤٨٦،٤٨٧،٤٩٥،٥٠٢،٥٤٥-٥٤٧

٦٠١،٦٠٣،٦١٣،٦٤٥- رك زبان استعداد ، قابليت و- ، كمال - استعدادات ٨،٣٠

٤٤٨- استعداد واعتقاد ٥٩٦- وطلب ذاتي ٢٠٦،٢٠٧- وقابليت ١٥٥،٢٩٦،٥٣٩

٤١٥،٦٢٢- استعدادات وقابليات اصلي ٦٣٢- وقوابل ٤٤٥- استعداد اصلي

٤٦٢،٤٦٣- استعدادات اصلي ٤٤٧،٦١٤،٦٢٦،٦٣٢- اصلي اولي ١٢٧- استعداد

انساني ٦٠٨- اولي غير مجعول ٥٠٤- جزئي وجودي ١٩٥- قويم ٦٣٨- كامل

٤٥٦،٤٦٢،٦٠٨،٦٤٧- كلي وجزئي ٣٥٥،٦٤٠- استعدادات كلي اصلي باطن ٦١٣

استعدادي ١٥٥،٣٤٩،٥٥٠،٦٤٦

استعمال آلات ظاهر ٥٧٠،٥٧٠

استغنا ٤٤٨

استقامت ٢١١،٢١٢- واعتدال ٦٠٨- ميزان شريعت وطريقت ٦٠٨

استقلال ١٣٠،١٣٣- وى نيازي ١٢٩

استكمال ١١٢،٣٥٠،٤٨٦،٥٥٧،٥٥٨- اسما ٣٤٦

استمداد ٩٨،١٣٠،٣٨٦،٤٢٧،٤٣٤،٤٤٧،٤٨٧- بد نفس ٩٨،٩٩

استناد ١٧

۴۴۷-۴۴۹-۴۷۰-۵۲۴-۶۳۱-۶۳۴- اول ۴۸۹-۴۹۲- اول ومفاتيح غيب ۴۸۲- تفصیلی
 و جزئی ۱۹۴- اسم جزئی ۶۲-۶۶- اسمای جزئی ۵۸- جواهر ۳۴- حسنی ۳۶۶-
 ۳۶۷-۳۶۹- حق ۲۳۱-۴۵۶-۴۶۸-۴۹۹- ذات ۲۶-۲۷-۳۱۱-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۹-۳۵۰-۳۸۹-۴۴۳-
 ۴۴۵-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۴-۴۵۷-۴۵۹-۴۶۳-۴۶۶-۴۶۹-۴۷۵-۴۷۷- اسمای ذاتی ۴۴۱- اسمای ذاتی
 ۴۵۲-۴۹۶- ربانی ۲۳۱- سبعة ۳۴-۳۷-۳۹-۴۴-۶۰۳- اسم صاحب سلطنت ۵۸-۶۰-۶۲-
 اسمای صفات ۲۶-۲۷- ظاهر ۴۷۵- علوم وحقایق اشیا ۵۶۶- غیب ذات ۴۴۱-
 غیبی مستأثر ۵۰۱- افعال ۲۶-۲۷- اسم کلی ۵۵-۵۹-۶۱-۱۹۴-۴۹۶-۵۳۹-۶۱۹-
 اسمای کلی ۵۳-۵۸-۶۲-۴۹۶-۴۹۸-۴۶۱- کلی والوهی ۴۵- کلی بجزئی ۶۲-۶۶-۷۱-
 ۷۴- کلی و جزئی ۳۰-۵۲-۵۷-۶۳-۶۴-۵۰۳- کلی و جزئی بجمع مظاهرها ۶۴-
 کونی ۴۴۸- اسم مخصوص ۵۶- اسمای مشترک ۲۶- اسم ۴۱۳- محد ۶۶-۶۷-
 - اسمای نسب واحوال ۲۶- وجودی ۵۲-۵۳-۱۹۰-
 اسمائی ۳۲-۴۷-۱۸۶-۴۴۶-۴۵۵-۴۸۰-۵۵۴-۶۰۱- رک تجلی اسمائی ، توجهات- ، کمال- .
 اسمائی وکونی ۲۳-۳۳-۵۰

اسمی ۴۸۰

اسبرویی تصرف ۱۳۳- و ۶۲۰

اسیری ۱۳۳

اشارت ۴۰۴- و ایما ۴۴۱-۴۸۸-۶۱۶- معرفتی اسهامی ۴۰۳

اشتراک ۲۸۷- رک مابهلالاتحاد والاشتراک .

اشتمال ۶۲-۲۸۳-۳۹۰-۴۳۸-۴۹۸-۵۱۵-۶۰۳- رک جمعیت واشتمال . اشتمال وکلیت وجمعیت

۶۲۱- بالفاعل علی الكل ۶۲- جمعیت واطلاق ۶۳۹- ذات برهمه اسما ۴۳۸- علی

جميع الاسماء الکلیه بالفاعل مفعلا" ۶۲- هراسمی برباقی اسما (اشتمال کل

اسم علی جمع الاسما) ۴۳۸-۴۹۷-۶۱۶-۶۴۰

اشتیاق ۷۵-۱۰۶-۱۰۷-۴۲۸-۵۳۵-۵۳۶- وصیل ۳۶۶

اشهاد رک شهود واشهاد .

اصالت ۲۵۱-۴۸۶

اصطلاح ۳۰۰-۵۵۸- قوم ۲۴۵-۳۶۴-۳۹۶

اصطلام ۲۵۶

اصفا واستماع ۳۶۹-۵۰۸- حضور ۱۰۱- وسماع ۱۸۰-۵۴۷

اصل ۳۳-۳۸-۵۳-۵۴-۵۶-۵۹-۶۰-۶۲-۶۵-۷۳-۸۲-۱۰۷-۱۲۷-۱۴۵-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۷-۱۷۱-۱۸۶-۱۹۴-
 ۱۹۴-۱۸۶-۱۷۱-۱۵۷-۱۴۹-۱۴۸-۱۴۵-۱۲۷-۱۰۷-۸۲-۷۳-۶۵-۶۲-۶۰-۵۹-۵۶-۵۴-۵۳-۳۸-۳۳-
 ۳۶۶-۳۶۷-۳۶۹-۳۸۹-۴۴۳-۴۴۵-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۴-۴۵۷-۴۵۹-۴۶۳-۴۶۶-۴۶۹-۴۷۵-۴۷۷-۴۸۲-۴۸۹-۴۹۲-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۳-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۸۱-۱۴۸۲-۱۴۸۳-۱۴۸۴-۱۴۸۵-۱۴۸۶-۱۴۸۷-۱۴۸۸-۱۴۸۹-۱۴۹۰-۱۴۹۱-۱۴۹۲-۱۴۹۳-۱۴۹۴-۱۴۹۵-۱۴۹۶-۱۴۹۷-۱۴۹۸-۱۴۹۹-۱۵۰۰-۱۵۰۱-۱۵۰۲-۱۵۰۳-۱۵۰۴-۱۵۰۵-۱۵۰۶-۱۵۰۷-۱۵۰۸-۱۵۰۹-۱۵۱۰-۱۵۱۱-۱۵۱۲-۱۵۱۳-۱۵۱۴-۱۵۱۵-۱۵۱۶-۱۵۱۷-۱۵۱۸-۱۵۱۹-۱۵۲۰-۱۵۲۱-۱۵۲۲-۱۵۲۳-۱۵۲۴-۱۵۲۵-۱۵۲۶-۱۵۲۷-۱۵۲۸-۱۵۲۹-۱۵۳۰-۱۵۳۱-۱۵۳۲-۱۵۳۳-۱۵۳۴-۱۵۳۵-۱۵۳۶-۱۵۳۷-۱۵۳۸-۱۵۳۹-۱۵۴۰-۱۵۴۱-۱۵۴۲-۱۵۴۳-۱۵۴۴-۱۵۴۵-۱۵۴۶-۱۵۴۷-۱۵۴۸-۱۵۴۹-۱۵۵۰-۱۵۵۱-۱۵۵۲-۱۵۵۳-۱۵۵۴-۱۵۵۵-۱۵۵۶-۱۵۵۷-۱۵۵۸-۱۵۵۹-۱۵۶۰-۱۵۶۱-۱۵۶۲-۱۵۶۳-۱۵۶۴-۱۵۶۵-۱۵۶۶-۱۵۶۷-۱۵۶۸-۱۵۶۹-۱۵۷۰-۱۵۷۱-۱۵۷۲-۱۵۷۳-۱۵۷۴-۱۵۷۵-۱۵۷۶-۱۵۷۷-۱۵۷۸-۱۵۷۹-۱۵۸۰-۱۵۸۱-۱۵۸۲-۱۵۸۳-۱۵۸۴-۱۵۸۵-۱۵۸۶-۱۵۸۷-۱۵۸۸-۱۵۸۹-۱۵۹۰-۱۵۹۱-۱۵۹۲-۱۵۹۳-۱۵۹۴-۱۵۹۵-۱۵۹۶-۱۵۹۷-۱۵۹۸-۱۵۹۹-۱۶۰۰-۱۶۰۱-۱۶۰۲-۱۶۰۳-۱۶۰۴-۱۶۰۵-۱۶۰۶-۱۶۰۷-۱۶۰۸-۱۶۰۹-۱۶۱۰-۱۶۱۱-۱۶۱۲-۱۶۱۳-۱۶۱۴-۱۶۱۵-۱۶۱۶-۱۶۱۷-۱۶۱۸-۱۶۱۹-۱۶۲۰-۱۶۲۱-۱۶۲۲-۱۶۲۳-۱۶۲۴-۱۶۲۵-۱۶۲۶-۱۶۲۷-۱۶۲۸-۱۶۲۹-۱۶۳۰-۱۶۳۱-۱۶۳۲-۱۶۳۳-۱۶۳۴-۱۶۳۵-۱۶۳۶-۱۶۳۷-۱۶۳۸-۱۶۳۹-۱۶۴۰-۱۶۴۱-۱۶۴۲-۱۶۴۳-۱۶۴۴-۱۶۴۵-۱۶۴۶-۱۶۴۷-۱۶۴۸-۱۶۴۹-۱۶۵۰-۱۶۵۱-۱۶۵۲-۱۶۵۳-۱۶۵۴-۱۶۵۵-۱۶۵۶-۱۶۵۷-۱۶۵۸-۱۶۵۹-۱۶۶۰-۱۶۶۱-۱۶۶۲-۱۶۶۳-۱۶۶۴-۱۶۶۵-۱۶۶۶-۱۶۶۷-۱۶۶۸-۱۶۶۹-۱۶۷۰-۱۶۷۱-۱۶۷۲-۱۶۷۳-۱۶۷۴-۱۶۷۵-۱۶۷۶-۱۶۷۷-۱۶۷۸-۱۶۷۹-۱۶۸۰-۱۶۸۱-۱۶۸۲-۱۶۸۳-۱۶۸۴-۱۶۸۵-۱۶۸۶-۱۶۸۷-۱۶۸۸-۱۶۸۹-۱۶۹۰-۱۶۹۱-۱۶۹۲-۱۶۹۳-۱۶۹۴-۱۶۹۵-۱۶۹۶-۱۶۹۷-۱۶۹۸-۱۶۹۹-۱۷۰۰-۱۷۰۱-۱۷۰۲-۱۷۰۳-۱۷۰۴-۱۷۰۵-۱۷۰۶-۱۷۰۷-۱۷۰۸-۱۷۰۹-۱۷۱۰-۱۷۱۱-۱۷۱۲-۱۷۱۳-۱۷۱۴-۱۷۱۵-۱۷۱۶-۱۷۱۷-۱۷۱۸-۱۷۱۹-۱۷۲۰-۱۷۲۱-

۴۰۷،۴۰۲،۳۹۱،۲۸۹،۳۶۸،۳۰۳،۲۸۳،۲۶۵،۲۶۳،۲۵۷،۲۵۴،۲۳۷،۲۳۱،۲۲۵،۲۲۲،۲۱۲،۱۹۵
 ۶۳۸،۶۳۷،۶۲۶،۶۲۴،۶۱۸،۶۱۳،۶۰۶،۵۸۷،۵۸۶،۵۸۲،۵۷۱،۵۶۰،۵۰۱،۴۹۵،۴۷۵،۴۵۳،۴۲۷
 ۶۴۷،۶۴۶ . رک توجه الفرع الی الاحل . اصول ۴۶۲،۴۴۰،۴۸۷،۴۸۶،۴۹۳،۴۹۵،۵۷۴،
 ۶۱۳ . اصل و باطن ۵۴۲ . و حقیقت ۵۷۲،۵۷۹ . و خمیرمایه ۲۳ . و فرع ۸۲،۸ . و
 کل ۵۴۳،۵۵ . اصول و کلیات ۴۶۶،۴۶۷،۴۸۸ . اصل و ماده ۴۰۶،۵۲ . مبدا ۶۸،۶۱۵
 اصول و مبادی ۴۵۴ . اصل و مجمع ۱۲۳ . و مطلق ۲۵۱ . و مقام و حقیقت ۵۴۵ . و
 منشاء ۶۱۸،۵۳۸،۱۰ . از اصل به فرع و آفتاب به سایه قانع شدن ۲۶۲ . اصل
 حالت عدصیت ۱۲۱ . حسن ۳۲۴ . عالم ۴۱۵ ، اصول اجناس و انواع و اشخاص ۴۳ .
 اصل وجود ۲۶۲

اصلاح ۴۴۷،۲۳

اصلی ۴۰۵،۲۸۷،۲۴۱،۱۸۵،۱۷۷،۱۷۶،۱۶۴،۱۵۵،۱۴۸،۱۳۰،۱۲۴،۱۰۸،۷۲-۷۰،۶۳،۶۰،۴۷،۳۳،۳۰
 کلی - ، میل ذاتی - . اصلی و عارضی ۱۸۵،۱۸۶ . و عرضی ۵۷۲ . اولی ۱۲۷ . ذاتی
 ۴۶۴،۱۴۸،۱۳۱

اصلیت ۵۹۶،۸۲

اضافت ۲۷۲،۲۵۸،۲۵۶،۲۴۳،۲۴۱،۸۷ . اضافات ۶۱۵،۶۰۴،۴۴۸،۴۰۵،۲۷۲،۱۷۲،۱۵۱،۱۴۶،۱۷،۵
 ۶۱۴ . رک نسب و اضافات . اضافات و تغییرات ۱۵۱ . اضافت و قید ۴۰۵ . صفات
 ۲۲۱ . وجود ۱۴۵،۱۴۶،۳۶۰،۵۰۵ . وجود ۲۵۵ . اضافات وجودی ۲۶۸ .
 اضافت هستی ۲۵۴،۱۵۱

اضافی ۵۶۶

اضلال ۶۱۸،۶۱۹،۶۳۲ . و ارشاد ۱۳۷

اطلاع برضامیر و خواطر ۷۱

اطلاق ۱۲۷،۱۵

رک جمعیت و اطلاق ، حضرت - ، کلیت و - ، وحدت و - ، اطلاق و بی نهایتی ۳۸۵ .
 و تعیین ۳۴۵ . و جمعیت ۶۳۹،۶۴۰ . و عدم تقید ۴۳۵،۱۱۹ . و قید ۲۵۸ . و کلیت
 و جمعیت حقیقی ۲۴۷ . و کلیت و عدم تقید ۱۲۹ . و نزاهت وحدت ۲۴۲ . و نوریت و
 کحالیبت ۶۳۸ . و وحدت ۱۷۷،۱۸۲،۲۵۸،۳۶۴ . الهیت ۶۲۵ . جمال ۲۶۲،۴۲۲ . ذات
 ۴۶۴،۲۳۸ . عن القید و الاطلاق ۲۳۱،۴۳۶ . معشوق ۲۵۵ . نور ۶۰۲ . وجود ۱۹۴ .
 هستی حقیقی ۱۵۱

